

# راه توده

تیرماه از آن حیرت‌انگیزان در خلیج از کشور

جمعه ۱۸ شهریور ۱۳۶۲ مطابق ۲۷  
ذیحجه ۱۴۰۳ و ۹ سپتامبر ۱۹۸۳  
سال دوم، شماره ۵۸  
پهلو ۴۰ بهال

## آیا کسانی که در "چاه" اوین افتاده‌اند زیر شکنجه عاشق "چشم وزغ"، شده‌اند؟

پس از درمان چهار ماهه برای زدودن آثار شکنجه‌ها، قربانیان زندمانده را با عذاب روحی مداوم و تهدید به تکرار تعزیرات وادار به خواندن متن‌هایی حاوی دروغ‌های کتبی ضد شوروی و ضد کمونیستی و به سود جنگ فرسایشی بی‌سراجام می‌کنند.

چهار ماه پیش، حاکمیت جمهوری اسلامی، چند تن از قربانیان تودهای شکنجه‌های وحشیانه را در فیلم‌هایی که در شکنجه‌گاه‌های اوین منتشر شده بود روی پرده "تلوویزیون اوین" آورد تا نظریات ضد کمونیستی خود را بصورت "آقای سر" بر زبان قربانیان خود بگذارد. اما این صحنه‌ها آنقدر مفتضح و دلخراش بود، که "تمسه" آبروی حاکمیت و دستگاه امنیتی و قضائی‌اش را در سراسر جهان، حتی نزد دوستانش برد.

کسانی که مدعی بودند دارای یک ایدئولوژی قدرتمند و همه جانبه هستند و میخواهند "با منطق جهان را مسلمان کنند"، در عمل نشان دادند که فقط در شکنجه‌گاه‌ها میتوانند حریفان خود را مجاب سازند و با آنان "مصاحبه" و "مناظره" تلویزیونی براه‌بینند ازند و گرنه در "بحث آزاد تلویزیونی" به لگنت زبان دچار میشوند و برنامه‌های ضبط شده را به بی‌ایگانی‌ها راکد میسازند. همان‌کاری که با "بحث آزاد تلویزیونی" دو سال پیش انجام دادند.

بقیه در صفحه ۴

## سیاوش کسرائی - ۱۳۶۲

در صفحه ۲

## من باتو ام

## اگر آزادی این است، پس اختناق کدام است؟

واقع از وجود کدام آزادی در جمهوری اسلامی دم میزنند؟  
در سال ۱۳۵۹، وقتی که چماق سواران قشرون، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب و دفتر "نامه مردم" را اشغال کردند، شعار بزرگی روی یک پارچه سفید نوشته و بر سر در آن آویخته بودند که:  
"جهان را با منطق مسلمان میکنیم" تا بدینوسیله بی‌آبرویی عمل قانون شکنانه و فاشیست مآبانه، بقیه در صفحه ۵

سردمداران حاکمیت بتازگی پار دیگری از وجود آزادی در جمهوری اسلامی ایران دم می‌زنند.  
کسانی که از نقش خشن، ابتدایی ترین آزادیها ابایی نداشته و ندارند، کسانی که نه تنها همه وعده‌های خود را به فراموشی سپرد هاند، بلکه همه اصول مترقی قانون اساسی را نیز که خود آن را روزی "خونبهای شهیدان" مینامیدند، پایمال کرده و امروزه به جاده صاف کن حاکمیت سیاه اختناق بدل شده‌اند، معلوم نیست به

## بحران دولت نوک کوه یخ بحران حاکمیت!

طبق اصل شمت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فقط "در شرایط اضطراری" در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، جلسه غیر علنی (مجلس شورای اسلامی) تشکیل می‌شود. در غیر این صورت برگزار نمی‌شود. پس از هفته‌ها جدل پشت پرده و از پرده بیرون افتاده، دو نفر از وزرای مدافع افراطی سرمایه‌داران، یعنی عسگر اولادی، وزیر بازار، که "هوای نخست‌وزیری در سر می‌پروراند" و توکلی وزیر ضد کارگر از دولت کنار گذاشته می‌شوند. تا تعیین وزرای جدید برای این دو وزارتخانه، چند هفته وقت سپری میشود، تا دست‌اندرکاران، پشت پرده و دور از چشم مردم محصول سازش شسته و رفته را به رخ مردم بکشند. سازشی، که طبق آن آبرو باختگان با وزرای دیگری، که برخی نظرات مثبت داشته‌اند، مثلاً با اصلاحات ارضی موافق‌اند و یا با زمین‌خواری بوسیله "تعاونی سحر" مخالفست کرد هاند، یکجا از دولت کنار گذاشته می‌شوند. اکنون، که به گمان کار چاق کن‌های این سازش شسته و رفته، زمینه لازم فراهم شده است، برای برده پوشی بحران درون دولت و حاکمیت با تقاضا برای برگزاری جلسه "غیر علنی" مجلس شورای اسلامی توسط آقای نخست‌وزیر، مرحله پیاده کردن سازش آغاز می‌شود. ولسی حساب‌ها غلط از آب در می‌آید و در جریان بحث و رأی‌گیری در مجلس برده از بحران دولت بر داشته می‌شود و این بحران، بمثابه بحران کل حاکمیت افشا می‌شود! بحرانی که بقیه در صفحه ۶

## موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال اوضاع پاکستان چیست؟

سرنگونی رژیم ضیا الحق و ایجاد شرایط دمکراتیک در کشور شدند. مردم در تظاهرات چند صد هزار نفری خود به سیاست‌های وطن‌فروشان نظامیان حاکم بر کشور، که پاکستان را به پایگاه بقیه در صفحه ۶

تمام جهان در هفته‌های اخیر شاهد اوج‌گیری مبارزات مردم پاکستان علیه رژیم نظامی کودتائی و دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا و شخص ضیا الحق بود.  
مردم پاکستان در تظاهرات عظیم خود، خواستار

## کمونیست‌ها و دمکرات‌های آمریکاز توده‌های در بند دفاع می‌کنند

در صفحه ۳

## پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# من با توام

وقتی که تن زکار

فرسوده می شود

من در میان مزرعه ها، کارخانه ها

تو کار میکنی

تو کار میکنی

همدرد با توام

وقتی که با نوازش دستانت

فرزند را به حوصله میخوانی

کوشی که غنچه بی را،

من با توام رفیق

در هر کجا هستی و بیگار میکنی

همسایه توام

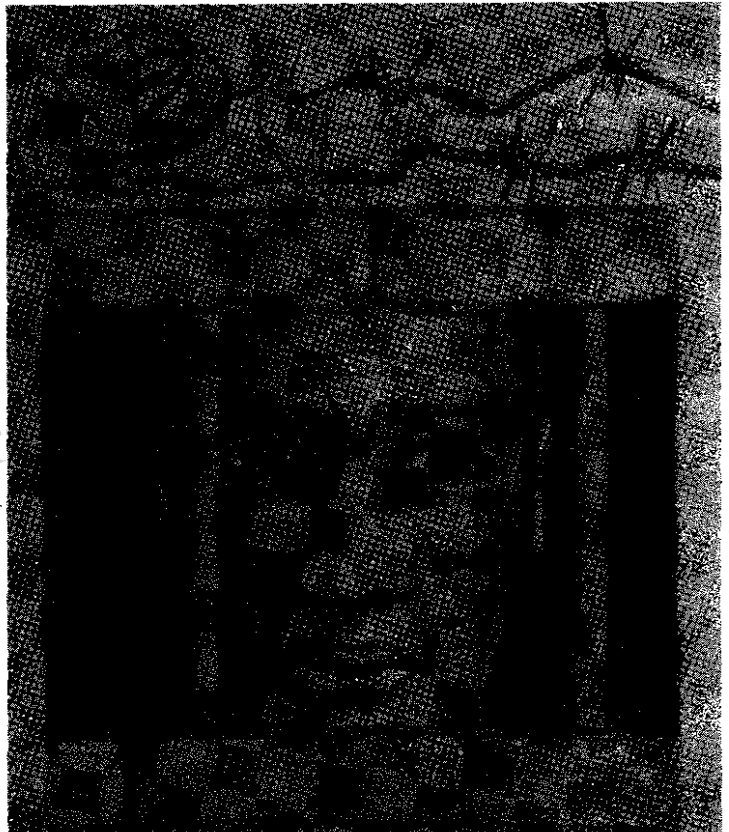
وقتی کنار پنجره در چشم شاهگاه

با خود سرود حزب بزرگم را

تکرار میکنی

همزیم با توام

وقتی که دل سپرده به تشویش و اشتیاق



از خوابش،

بیدار میکنی

هم بند با توام

وقتی که لحظه های درنگ آوریده را

با یادهای گشده سرشار میکنی

نه، ای رفیق هم نفس من، نه

تنها نمی گذارم، آری

وقتی که در سپیده دمی بی نشان، توجان

بر آرمان و عشق

ایثار میکنی

من با توام رفیق!

من با توام رفیق!

شبانه ای به طایر هر کجای می دهی

یک دل،

یک شهر،

یک تمام وطن را

هنیاز میکنی

همراه با توام

وقتی که چون در آب

ماهی بی تاب

می لختی و

می آیی و

می پویی

و خفته را، زسپیل، خیردار میکنی

همکار با توام

## کمونیستها و دمکراتها از توده های در بند دفاع می کنند

بقیه از صفحه ۳

صد هزار نفر در کهنشاهک بر پاگردید، نزدیک نیمه صد سال زمان و گروه مترقی و حزب کمونیست، از سراسر جهان شرکت داشتند و بار دیگر همبستگی نیروهای ضد امپریالیست بین المللی را تجدید کردند.

غرفه حزب توده ایران در ایستگاه فستیوال با استقبال کم نظیر شرکت کنندگان روبرو شد و آنان با اعضای بیانیه های اعتراضی، نسبت به یازدهم و ششگانه زندانیان توده ای، همبستگی خود را با آنان و با سایر نیروهای ضد امپریالیست که مورد تهاجم حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند، ابراز داشتند و از خواست اعزام هیأت بی طرف بین المللی، جهت بررسی وضع زندانیان، پشتیبانی کردند.

طی مراسمی که بمناسبت اختتام فستیوال برگزار گردید، هیأتی به نمایندگی از طرف رهبری حزب کمونیست د انمارک و سازمانهای دیگر، با رفقای حزب توده ایران ملاقات کرده و ضمن آن همبستگی خود را با حزب توده ایران ابراز داشتند و رفیق یورگن فیضی دبیر کل حزب کمونیست د انمارک در نطق خود ضمن اظهار خوشوقتی از حضور رفقای توده ای در این مراسم پشتیبانی خود و کمونیستهای د انمارک را از حزب توده ایران اعلام نمود.

### پاکستان

فدراسیون دمکراتیک دانشجویان پاکستان، بیانیه ای جهت محکوم کردن اعمال تضحیقات در مورد حزب توده ایران، یازدهم هزاران تن از اعضای آن و شکنجه و قتل آنان صادر و از طریق سفارت جمهوری اسلامی، به مقامات مسئول جمهوری اسلامی، ارسال داشته است.

در این بیانیه، ضمن ابراز پشتیبانی از انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران، نگرانی دانشجویان و مردم پاکستان از جریانات کنونی ایران، تهاجم به دستاوردهای انقلاب و سرکوب نیروهای مدافع انقلاب بقصد نابودی آن ابراز گردیده و در پایان، خواستهای زیر مطرح گردیده است:

- ۱- به رسمیت شناختن فعالیت علنی و قانونی حزب توده ایران،
- ۲- اعلام لیست کامل یازدهم صدگان و آزادی کلیه زندانیان توده ای و سایر نیروهای ضد امپریالیست،
- ۳- برگزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظرین بین المللی و بررسی وضع زندانیان توسط هیأتی از حقوقدانان و پزشکان،
- ۴- پایان دادن به تفتیش عقاید و لغو اطلاعیه " دادستانی انقلاب " در این مورد.

# کمونیست‌ها و دمکرات‌های آمریکا از توده‌های ایران دفاع می‌کنند

روز ۲۷ آگوست ۱۹۸۳ در شهر لسوس - آنجلس مراسمی در رابطه با همبستگی با زندانیان توده‌های از طرف دوستان آمریکایی انقلاب ایران و انستیتی مطالعات مارکسیستی یا شرکت هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و تعدادی از مسلمانان مبارز برگزار گردید .

دکتر هربرت اپنر نویسنده آمریکایی و یکی از فعالان مبارزه علیه جنگ، نژادپرستی و امپریالیسم در پنجاه سال گذشته و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا طی سخنرانی خود، ضمن بررسی تاریخ پر افتخار مبارزات حزب توده ایران برای آزادی ایران از یوغ امپریالیسم و سلطه خارجی، درباره وضع کنونی انقلاب ایران و چرخش پر است حاکمیت جمهوری اسلامی ایران صحبت کرد .

دکتر اپنر از جمله به مقاله نیویورک تایمز ۲۴ آگوست ۱۹۸۳ درباره "پرداخت ۶۱۹/۵ میلیون دلار

از طرف دولت ایران به بانک صادرات - واردات ایالات متحده اشاره نمود و گفت :

" اگر صفحه مالی این روزنامه را بخوانید دقیقاً متوجه خواهید شد، که واشنگتن در جستجوی چه کسانی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. تا دستشان را بفشارد " و بی اضافه کرد :

" بسادگی قابل درک است، که چرا در این زمان توده‌های هایپیدامفین راستین انقلاب ایران را زندانی شکنجه و اعدام می‌کنند " .

وی در پایان از شرکت کنندگان خواست تا با ارسال نامه و کارت پستالهای اعتراضی، آزادی فوری کلیه اعضا و هواداران دستگیر شده حزب توده ایران، آزادی فعالیت این حزب و اجازه مزیت یک هیئت بی طرف مرکب از پزشکان، روانشناسان و حقوقدانان به ایران برای دیدار با زندانیان توده‌های را خواستار گردند .

در این برنامه همچنین بخشهایی از ویدئو

فیلم باصطلاح "اعترافات" قربانیان توطئه امپریالیستی، که از شبکه تلویزیون ایران پخش شده بود، بمنظور پرده برداشتن از این جنایات ددمتشان به نمایش گزارده شد . شرکت کنندگان با دیدن قیافه‌های مسخ شده و آثار شکنجه در سیمای زندانیان، که بحیان دیده می‌شد، شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته و با اندوه و ناراحتی بسیار اعتراض و انزجار خود را نسبت به اینگونه اعمال وحشیانه ابراز داشتند .

سپس رز چرمن، شخصیت برجسته آمریکایی، که سالیان متمادی در راه احقاق حقوق مردم آمریکا علیه نژادپرستی مبارزه کرده در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود پشت تریبون رفت و از شرکت کنندگان خواست تا با کمک مالی خود به فرستادن هیاتی از پزشکان و حقوق دانان به ایران جهت بررسی وضع مبارزین توده‌های در زندانهای جمهوری اسلامی ایران یاری رسانند .

## فنلاند

روزنامه "اتحاد"، ارگان حزب کمونیست فنلاند در تاریخ هفدهم اوت ( اول شهریور ) ضمن چاپ بخشهایی از افشاگری‌های هواداران حزب توده ایران در سوئد تحت عنوان " همبستگی با کمونیستهای ایران "، که در آن به بازداشت بخشی از رهبران و هزاران تن از اعضای حزب توده ایران و سایر مبارزین ضد امپریالیست و شکنجه‌های اعمال شده در مورد آنان و شهادت رفقا حسن حسین پور تیریزی و کاکیک آوانسیان اشاره شده است، بر لزوم تقویت همبستگی جهانی با حزب توده ایران تأکید نموده و همین عمل را در حقیقت پشتیبانی از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران دانسته است .

## فرانسه

فدراسیون حزب کمونیست فرانسه در هرو، طی مخابره " تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ " در پاریس، اعمال شکنجه‌های وحشیانه در زندانهای ایران را شدیداً محکوم کرده و قتل زندانیان توده‌های را زیر شکنجه، جنایتی هولناک خوانده است . فدراسیون، به‌مثابه اولین اقدام فوری، آزادی زندانیان توده‌های و

کلیه مبارزین ضد امپریالیست درینند را خواستار گردیده است .

گروه کمونیست اعضای " کمیته دفاع از جان زندانیان دمکرات در ایران " در شهر - داری من علیه شکنجه‌های ددمتشانای را که منجر به شهادت چند تن از توده‌های زندانی گردیده، شدیداً محکوم نموده و خواستار آزادی کلیه دمکرات‌های دریند از زندانهای جمهوری اسلامی گشته‌اند .

آنان اعتراضات خود را از طریق مخابره تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس، به اطلاع مقامات ایران رسانید مآند .

## سوئد

در جشن بیست و پنجمین سالگرد انقلاب عراق، که از طرف سازمان دانشجویان عراقی و سازمان دانشجویان کرد، بتاريخ ششم اوت ( ۱۵ مرداد ماه ) در استکهلم، پایتخت سوئد برگزار گردید، قطعنامه‌ای بتصویب شرکت کنندگان رسید، که طی آن بازداشت بخشی از رهبران و هزاران تن از اعضای حزب توده ایران و رفتار بیرحمشانه با زندانیان میهن پرست، محکوم گردیده است .

در قطعنامه، همچنین هدف از یورش

راستگرایان به حزب توده ایران، که در چارچوب حمله به دستاورد های انقلاب و هجوم به کلیه نیروهای دمکرات ضد امپریالیست بمنظور نابود ساختن انقلاب ایران است، ارزیابی و در پایان صدور روایید برای هیاتی بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت عزیمت به ایران، ملاقات با زندانیان و افشای حقایق برای مردم جهان و نیز تشکیل دادگاههای ملتی یا شرکت ناظرین بین‌المللی، خواستار گردیده است .

## دانمارک

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست دانمارک، طی صدور قطعنامه‌ای، تضيیقات علیه حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب را محکوم کرده و ایمن اعمال را بمثابة حلقه‌ای از اقدامات محافظه ارتجاعی حاکمیت علیه نیروهای مترقی، دمکرات و انقلابی ارزیابی نموده است .

کمونیستهای دانمارک خواستار آزادی فوری زندانیان توده‌های و نیز کلیه مبارزین مترقی و ضد امپریالیست دریند گردید مآند .

در فستیوال با شکوه " لائک اوگ فولک " ارگان حزب کمونیست دانمارک که با شرکت چند بقیه در صفحه ۲

**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

# آیا کسانی که در "چاه"، اوین افتاده اند زیر شکنجه عاشق "چشم وزغ"، شده اند؟

بقیه از صفحه ۱

اینک طی چهار ماه، با بزرگ کسردن سیمای جنایت خود ظاهراً به معالجه قریبانیان پرداخته است و خواسته است آنانرا با وضعی "آبرومندانه تر" و دارند که نوشته های دست پخت شکنجه گران را این بار بسا قیافه های معمولی تری بخوانند تا به خیال خود مسئله شکنجه ها را پرده پوشی کنند.

گردانندگان حاکمیت این بار هم اندیشه ها و حرفهائی را بر زبان قریبانیان خود میگردانند، که هیچگاه متعلق به آنان نبوده و نیست. زیرا شکنجه شدگان انسانهای ناشناسی نیستند و سالهای سال است که عقاید و نظریات خویشرا روی کاغذ می آورند و با امضای خود منتشر می کنند و تا لحظه ورود به شکنجه گاه اوین هم به آنها وفادار بوده اند. پس روشن است که شکنجه گران با استفاده از عذاب روحی و تهدید به تکرار تعزیرهای بدنی "اسلامی"، قریبانیان را مجبور کرده اند متون مورد نظرشان را در برابر دوربین بارها بخوانند تا از فیلم های تهیه شده در این مدت طولانی، برنامه تلویزیونی قابل قبول تری مونتاژ کنند. اکنون که به خیال خود سر فرصت "نقاط ضعف" فیلمها را بر طرف کرده اند و با نمایش دادن آنها بطور خصوصی برای مقامات حاکمیت، "اوکیسی" گرفته اند آنها را روی پرده "تلویزیون" می آورند تا آب رفته به جوی باز آید.

اما کارها خیلی خرابتر از آنست که آقایان تصور کرده اند. در رژیم اصلت تئوری بدنی و شلاق، که کلمات "سیلی"، "پس - گردنی"، "مشت محکم"، "تازیانه"، "تعمیر" جاری کردن حد و "قصاص" و رد زبان رهبران طراز اولش باشد و حاکم شرع دادگاه های انقلاب و عضو شورای نگهبانش در مورد شکنجه زندانیان بگوید:

"حتی اگر زیر تعزیر آنها جان هم بدهند کسی ضامن نیست"

به زحمت میتوان به کسی قبولانده در شکنجه گاههای اوین "معجزه" اسلامی "رخ داده و "امداد غیبی" رسیده، که قریبانیان در قعر "چاه" عاشق "چشم وزغ" شوند و بسه زخم حاکمیت به نفی گذشته پرافتخار حزب تسوده ایران در خدمت به خلق چه میهن و تکرار اتهامات رکن دوم ستاد ارتش شاه، ساواک و سیا مندرج در "کتاب سیاه" و "سهر کمونیسم در ایران" و ...

مردان بپردازند.

شایان توجه است که این بار شکنجه گران اوین از زبان قریبانیان خود جنگ غیر ضروری و بی سرانجام کنونی را مسئله اصلی جامعه معرفی میکنند. جنگی، که دیگر در خدمت دفاع از

تمامیت ارضی میهن و دفع توطئه آمریکائی ضد انقلاب نیست، بلکه برای "صدور انقلاب اسلامی" انجام می شود. جنگی، که به قیمت قربانی کردن جوانان خانواده های زحمتکش و بیاد دادن ثروت نفت و با فدا کردن اهداف عدالت خواهانه، آزادی جویانه و بالاخره استقلال طلبانه انقلاب ۲۲ بهمن ادامه می یابد. جنگی، که بمنظور پوشاندن ضعف حاکمیت در تحقق بخشیدن به خواستهای زحمتکشان و التیام دادن دردهای توده های میلیونی نباید پایان یابد!

حزب تسوده ایران از نخستین روزهای پس از انقلاب میکوشید علیرغم کارشکنی های قشریها و اعمال مخفی استعمارگران آمریکائی و انگلیسی، سهم شایسته ای را در جهت کمک به تحکیم جنبه های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ادا کند و به مسلمانان صادق و مبارز طرفدار توده های زحمتکش خلق برای اجرای برنامه های پسود کارگران، دهقانان، کارمندان پیشه وران و کسبه جزء کمک نماید.

توده های بیادار جنگ طلبه متجاوزان عراقی پانام نیرو شرکت کردند و برای دفاع از وطن و انقلاب در برابر تجاوز امپریالیستی، قریبانیان فراوانی را تقدیم مردم زحمتکش ایران نمودند.

کسانیکه بجای استفاده از امکانات مساعد جهانی برای تعمیق جنبه های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، دروازه ها را بسوی عمل امپریالیسم در منطقه نظیر پاکستان، فیلیپین و ترکیه، اورن، درها را بسوی اروپای غربی و ژاپن و پنجره ها را بسوی آمریکا گشودند و کشور را سید تر از زمان شاه به کالاهای وارداتی از کشورهای امپریالیستی وابسته کردند و با شوری ستیزی کور و بی دلیل ۴ میلیارد دلار در آمد خالص از گاز صادراتی را سوزاندند تا مسادا "کنکی" به کمونیسم بشود، اینک باز فیلم های ضد شوروی مونتاژ می کنند و مدعی میشوند که گویا طی چهل سال گذشته اتحاد شوروی سیاست حزب تسوده ایران را، که "خیانت" به رژیم آمریکائی - انگلیسی شاه و خدمت به توده مردم بوده، رد یکنه می کرده است!

سیاست حزب تسوده ایران طی این چهل سال، مبارزه برای استقلال و آزادی میهن از یوغ امپریالیسم و بخاطر پیشرفت اجتماعی و بهر روزی توده های زحمتکش خلق و همبستگی با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان در پیکار بخاطر حفظ صلح و امنیت بین المللی، عظیم سیاست فارت و تجاوز امپریالیستی و استعمار نو و کهنه بوده است. این نه تنها سیاست حزب تسوده ایران، بلکه سیاست تمام احزاب برادر کمونیستی و کارگری و از جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی بوده است.

همبستگی اتترناسیونالیستی و هماهنگی فکری و عملی با احزاب برادر بزرگترین نقطه قوت حزب تسوده ایران است. این افتخار ماست که در خانواده احزاب برادر بسوی بهر روزی و خوشبختی جامعه بشری و دستیابی به جهانی فارغ از جنگ و فقر پیکار کنیم. ما از احزاب برادر کمونیستی و کارگری و از حزب کمونیست اتحاد شوروی همیشه بهترین چیزها را آموخته ایم و خواهیم آموخت. کمونیست ها در سراسر جهان یک هدف مشترک دارند و پیکار هماهنگ آنها همین هدف مشترک مشروط میکند. کوشش برای جدا کردن حزب تسوده ایران از احزاب برادر و بویژه حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب لنین - کارگری عبث و بیبوده است. هیچ ترفندی نخواهد توانست روابط برادرانه میان حزب تسوده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی را سست کند.

ما توده های اطمینان راسخ داریم که استحکام هر چه بیشتر این روابط بسود مردم ایران و مردم اتحاد شوروی در مبارزه مشترک علیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی است.

## آمار صادرات و واردات کشور

### در ۳ ماهه اول سال جاری

واردات کشور ۴ میلیون و ۸۱۷ هزار تن کالا به ارزش ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (۳۰۶۷۶۵۰۰۰ ریال ۳۰۶) میلیارد و ۷۶۵ میلیون ریال) بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، از لحاظ وزن ۱۷ درصد و از لحاظ ارزش ۱۸ درصد افزایش یافته است.

همچنین در سه ماهه اول سال جاری ۴۵ هزار تن کالاهای غیر نفتی به ارزش ۴۱۶ میلیون ریال از کشور صادر شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، از لحاظ وزن ۲۰ درصد و از لحاظ ارزش ۲۷ درصد کاهش داشته است. (کیهان، ۱۰/۵/۶۲)

— به این می گویند بازگانی "فقاہتی" و "از روی رساله" دست پخت "برادر متعهد" سگر اولاد دی و شرکا!

برفرار باد اتحاد همه نیروهای  
صدائکمپریالیستی  
و دمکراتیک ایران  
در جنبه متحد خلق

# اگر آزادی این است،

## پس اختناق کدام است؟

بقیه از صفحه ۱

خود را ببوشانند. اما خیلی سریع حتی ناپاوران به گفته‌های حزب ما باور کردند، که "منطق" "تشریون" "منطق چماق" است و نصب آن شعار پر سر در حزب ما کار یک جوان ناشی نبوده است.

اصل ۲۳ قانون اساسی میگوید:

"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."

البته (سین - جیم) های کذابی و تعداد زیاد دانشجویان اخراجی از دانشگاه ها و کارمندان و کارگران "پاکسازی شده" از محل های کار، بیانگر میزان "پای بندی" سر-مداران جمهوری اسلامی به این اصل قانون اساسی (خوبیهای شهیدان) است!

بگذریم از اینکه هواداری از حزب تسوده ایران و عقاید علمی و مرفقی را "شُرک" و "محاربه با خدا" ادعا می‌کنند و هر روز سه بار در صدای جمهوری اسلامی دم میدهند، که: "ما همه پیرو خط رهبریم - برصفت مشرکان حطه میبریم!"

اصل ۲۴ قانون اساسی میگوید:

"تشریات و مضبوطات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخلیه مبنای اسلام یا حقوق عمومی باشند."

آن حضراتی که روزنامه‌های مرفقی را یکی پس از دیگری به محاق توقیف کشاندند و همه را مخل به "مبنای اسلام آمریکایی" تشخیص دادند، اینک به جان مسلمانان افتاد مانند و رسانه‌های گروهی و نمایندگان مجلس را **مجبور** میکنند تا از پایمال شدن "حقوق عمومی" دم نزنند و تمیگد آرند که مردم پایمال کنندگان این "حقوق" را بشناسند.

این آقایان به راستی از آزادی چه مفهومی در ذهن خود دارند و چگونه به خود حق می‌دهند که درباره "احترام به آن سخن هم بگویند؟ آیا معنای آزادی این است که:

- شما آزادی آنطور که من میخواهم، زندگی کنید؟

- شما آزادی آنطور که من میخواهم، انتقاد کنید؟

- شما آزادی آنطور که من میخواهم، فکر کنید؟

- شما آزادی کسانی را که ما میخواهیم، انتخاب کنید؟

و سرانجام:

- شما آزادی پدکه از من اطاعت کنید؟

اگر آزادی این است، پس اختناق کدام است؟ کسانی که درست در زمان به بن بست رسیدنشان در حل همه معضلات اجتماعی، بجای

مبارزه اصولی با دگراندیشان انقلابی درچار-چوب رعایت آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی و در چارچوب عهد های خود، با توسل به زور "به بن بست رسیدن مارکسیسم" را اعلام می‌کنند، کسانی که در مبارزه "ایدئولوژیک" از توسل به هیچ جنابیتی رویگردان نیستند، کسانی که روی جلادان قرون وسطائی "انگیزیسون" را سفید کرده اند، آیا نمیدانند این لیباسی، که میخواهند به تن مردم ما بکنند، متعلق به دوران کودکی او است و برای توده های انقلاب کرده و انقلاب دیده، بقدری تنگ است که درزهای آن همین امروز هم از هر طرف شکاف برداشته است؟

در قرون وسطی نیز بنام مذهب غارتگران و ستگران صدها هزار نفر را زنده زنده در آتش سوزاندند و یا در سیاهچالهایی نظیر زندان "کمیت" و این و نظایر آن، سر به نیست ساختند؛ بنام همین مذهب **گالیله‌ها** را **مجبور** به "استغفار" و نفی گردش زمین کردند و کوشیدند تا از نفوذ علم و اندیشه علمی جلوگیری کنند. اما، اخلاف همان علم ستیزان و ستم پیشگان و دشمنان آزادی و آزادگی، امروزه در بی اعاده حیثیت از گالیله‌ها و در واقع از خود، پیرامند. زیرا، تاریخ ده، وری خود را کرده می‌آیرونی نصیب دشمنان آزادی اندیشه و اندیشه علمی شده است. همان **"توبه دهندگان گالیله‌ها"** امروز برای حفظ آبروی از دست رفته، حتی تا آنجا پیش میروند، که مبارزه با گالیله‌ها را انکار میکنند. آن روز دیر نیست، که دشمنان سوسیالیسم نیز مبارزه کور امروزین خود را با سوسیالیسم و صاحبان و طرفداران اندیشه علمی، انکار کنند. آیت الله مطهری در سال ۵۷، طسمنسی ینگ سخنرانی در دانشکده الهیات گفته بود:

"هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد، بر عکس، هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد، جلوسوی آزادی اندیشه و آزادی تفکر را میگیرد."

آنهایی که تمام رسانه‌های گروهی را در اختیار خود دارند به آنچه که شب و روز میگویند، خود اعتقاد ندارند! اگر اعتقاد داشتند، پس چرا این دستگاه جهنمی پلیسی و شکنجه را با بازسازی ساواک درست کرده اند و بسته پاکسازی دگراندیشان انقلابی و حتی مسلمانان مبارز صادق برداختند؟

واقعاً که خوب گفته اند:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود، هر که در او غش باشد.

## به یاد آن مجاهد نستوه



چهار سال از فقدان مجاهد نستوه آیت الله طالقانی، یکی از درخشانترین چهره های معاصر میهن ما میگذرد.

در سیاهترین ادوار تاریخ ایران این مجاهد خستگی ناپذیر علیه استبداد و امپریالیسم به مبارزه برخاست و بارها و بارها بدست مشت دشمنان شاه اسیر شد.

هنگامیکه انقلاب بزرگ مردم ایران بساط رژیم کهن را از خاک میهن ما می‌روید، او نیز به همراه دیگر زندانیان از زندان آزاد شد و با استقبال بی نظیر توده ها مواجه گشت و تا پایان عمر با عشق به بهرزی مردم در راه اهداف انقلاب رزمید و جان سپرد. او یکی از روشن بین ترین افرادی بود که انقلاب را با عبق تمام درک کرده بود. او می‌گفت:

"خود خواهانی که بر کرده مردم سوار شد باید به زیر کشیده شوند، مستکبرین خود خواه و سرمایه داران غارتگر باید به دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه و زبیر باشند."

او از "قدرت کارگری" که "در دل دستگاه صنعتی نطفه می‌بندد و به یک قدرت فعال بدل میشود" سخن میگفت. در جامعه مورد نظر او قدرت باید در دست مردم باشد، مردمی که در شوراها متشکل میشوند:

"بگذرید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داد ماند."

جامعه مورد نظر آیت الله طالقانی جامعای است آزاد، که در آن جایی برای هیچ نوع استبداد و خفقان نیست. او در خطبای که روز ۱۷ شهریور در بهشت زهرا خواند و باید گفت که وصیت نامه او است از "استبدادی که زیر پرده دین" عرضه میشود نالید و آنرا "خطرناکترین تحمیلات" نامید. او میخواست که ج ۱۰۱۰ سیاست خارجی ضد امپریالیستی داشته و حامی همه جنبشهای رها نیبخش باشد. او صادقانه هوادار صلح بود و جنگ را جز در مقام دفاع در برابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی‌شمرد. چنان خصوصیات برجسته‌ای در او جمع بودند، که محبت و احترام عمیق همه مبارزان راستین انقلابی را برمی‌انگیخت. اعضا و رهبران حزب تسوده ایران که سالها در زندانهای رژیم مغرور پهلوی با او هم زنجیر بودند، همواره به این خصوصیات پاک و انقلابی ارج میگذاشتند.

مردم ایران نظرات صریح، روشن و انقلابی او را بیاد دارند و بوضوح میبینند، که چگونه جامعه کنونی ما فرسنگها از آن خواستها فاصله گرفته است. فاصلاتی که به قیمت جان هزاران آزاد خواه تمام شد.

بوقر اباد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

# موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال اوضاع پاکستان چیست؟

بقیه از صفحه ۱

عملیات خرابکارانه و توطئه کرانه امپریالیسم آمریکا در منطقه بیوه علیہ افغانستان انقلابی تبدیل کرد مانند اعتراض کردند .

رژیم ضیا الحق در مقابل جنبش اعتراضی مردم، که اکثر افسار جامعه پاکستان صرف نظر از عقاید مذهبی و مسلکی را در بر گرفته است، شیوه سرکوب و پیگرد و بیکر و ببند را در پیش گرفته است .

اکثر کشورهای انقلابی و نیروهای مترقی جهان، همبستگی خود را با مبارزات این خلق رنج دیده و محروم اعلام و روز ۹ شهریور را به روز همبستگی با مردم و مبارزات آنها اعلام کردند . چیزی که در کشور ما ایران نه تنها با زتاب نیافت، بلکه با " توطئه سکوت " از طرف دولت و نهادهای رسمی حکومتی روبرو شد .

اکنون در اظهارات مقامات رسمی ایران و رسانه های گروهی مجاز در پشتیبانی از فعالیت های همبستگی مردم جهان، از جمله مردم کشورهای اسلامی در دفاع از مبارزات خلقهای پاکستان حتی کلمه ای بکار برده نشده است .

پرخلاف گذشته، که در زمانهای اوج مبارزات مردم پاکستان لاهل بطور زبانی از آنها پشتیبانی می شد و به ادامه مبارزه علیہ امپریالیسم آمریکا

تشویق می شد، اکنون مقامات جمهوری اسلامی به جای همبستگی با مبارزات مردم مسلمان و محروم این کشور و کمک به آنها، به ابقای رژیم ضیا الحق کمک می کنند .

هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۱۲ لایحه استیضاح دولت پاکستان را در رابطه با وام ۸۰ میلیون دلاری این کشور تصویب کرد .

اگر بخواهیم لایحه بالا را که ظاهرا بیخاطر آشکار نشدن اصل ماجرا و استفاده از کلمه " استیضاح " بصورت پیچیده نوشته شده، بگه

زبان سادهتری بیان کنیم، در واقع باید گفت که جمهوری اسلامی ایران با درخواست دولت پاکستان در جهت تعدید مهلت باز پرداخت وام ۸۰ میلیون دلاری این کشور موافقت کرده است چنانچه اوضاع داخلی پاکستان به روال سابق ادامه میداشت، می شد زیاد به دل پنداره داد و این موافقت ج ۱۰۱۰ با تقاضای ضیا - الحق را ناشی از همان ادامه سیاست " مودت آمیز " با کشور " مسلمان و همسایه " قلمداد نمود .

کشوری که دولت نظامی و ضد خلقی حاکم بر آن، در قبال دریافت ۳/۲ میلیارد دلار کمک نظامی آن را به امپریالیسم آمریکا فروخته و تعهد نموده است در صورت لزوم جهت سرکوب جنبش های

انقلابی منطقه نیروهای خود را در اختیار ارتش بداخله سرخ آمریکا قرار دهد و به آمریکا اجازه دهد که از خاک آن کشور برای استقرار و جاسپائی نیروهای خود استفاده کند، کشوری که پس از سقوط شاه نقض ایران شاهنشاهی در منطقه توسط امپریالیسم آمریکا به آن واگذار شده و رژیم دیکتاتوری نظامی حاکم بر آن خون زحمتکشان و آزادیخواهان آن را، که اتفاقا اکثریتشان مسلمان نیز هستند، در شیشه کرده است!

ولی هنگامیکه هم زمانی این موافقت حاکمیت ج ۱۰۱۰ را با حرکات اعتراضی گسترده مردم پاکستان علیہ رژیم دیکتاتوری و ضد ملی حاکم بر این کشور، تاکنون جمع کثیری در آن کشته و یا زخمی و دستگیر شده اند در نظر بگیریم، مسئله ابعاد دیگری پیدا می کند . این دیگر ادامه روابط مودت آمیز با کشور مسلمان و همسایه نیست، بلکه دهن کجی به مبارزات مردم پاکستان علیہ دیکتاتوری و کمک به ابقای رژیمی است، که دستش تا مرقع به خون زحمتکشان و آزادیخواهان پاکستان آغشته است . رژیم جمهوری اسلامی، که ادعاهایش دایر بر اینکه " تنها " حامی جنبش رها نیش سراسر جهان است گوش فلک را پر کرده، آیا بدینگونه

زحمتکشان تشدید می کنند و جان آنها را به لب می رشاندند .

## به "شرایط اضطراری" پایان باید داد!

آری، این سیاست حاکمیت راستگرا و تسلیم طلب و سازشهای آنها است، که کل میهن ما را دچار بحران ساخته و " شرایط اضطراری " را بر آن حکم فرما ساخته است . شرایطی، که در آن حتی برای معرفی وزیر جدید به مجلس نیاز به برگزاری جلسه " غیر علنی " پیدا می شود، تا که از چشم مردم و علیہ خافح مردم به گاو بندی بپردازند و عاصرز زمینخواران آمریکا برگشته ای را که بدست " حاکم شرع " در شهرداری از زمین های شهری نصیبی برده اند، به وزارت برسانند! بررسی دقیق مذاکرات مجلس در این زمینه علق این " شرایط اضطراری " در حاکمیت را افشا می کند و لزوم پایان دادن به این شرایط اضطراری " حاکم بر میهن ما را تأکید و تصریح می کند!

این سیاست انقلاب و ایران بر بساد ده حاکمیت یکبار دیگر اصولیت پیشنهاد حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و تمام نیروها و شخصیت های مردمی و ضد امپریالیست را تأکید می کند، که برای نجات انقلاب و دست آورد های آن تجهیز توده های میلیونی و تشکیل یک جبهه متحد خلقی با یک برنامه جد اقل و مشخص به میرترین امر حیاتی جامعه ما تبدیل شده است!

# بحران دولت نوک کوه یخ بحران حاکمیت!

بقیه از صفحه ۱

آنها را مجبور می سازد به میهن ما " شرایط اضطراری " ای را تحمل کنند، که طبق اصل فوق الذکر قانون اساسی ج ۱۰۱۰ فقط " در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند " قابل توجیه است!

و در واقع هم این حاکمیت چنین وضع " اضطراری " را برای میهن ما تدارک دیده است و امنیت کشور و منافع خلق را به خطسر انداخته است .

مردم میهن ما با ایثار و فداکاری با رژیم شاهنشاهی در افتادند و آن را برانداختند تا استقلال بر یاد داده شده میهن را دوباره برقرار کنند و اکنون می بینند، که امپریالیست ها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا از در و پنجره به ایران باز می گردند . روابط جابرانه اقتصادی با این غارتگران برقرار می شود . سیاست جهانی تبلیغاتی امپریالیستی به سیاست تبلیغاتی جمهوری نوپای ما تبدیل می شود، و نقش ایران در جنگ صلحی ضد کمونیستی جهانی امپریالیسم بیشتر و بیشتر می شود . تقسیم کار زمان شاه در کمک مالی به رژیم های دست نشانده امپریالیسم آمریکا از پهل نفت غارت شده، ادامه می یابد و همانطور که در مورد پاکستان اعمال شد،

در شکل جدید خود جامی افتد و قانون استیضاح توسط مجلس شورای اسلامی هم تصویب می شود . مردم میهن ما می بینند، که " آزادی "، یکی از عده ترین آماج های انقلاب مردمی، بر بساد رفته است و در کنار ساواجا و پلیس و ژاندرمری سرکوبگر، انواع گروههای گشتی مسلح و غیر مسلح قانونی " . . . الله " ها بر جان و امنیت مردم در شهر و روستا حاکم می شوند . قانون شکنی، از جمله نقض اصل صریح قانون اساسی به امری عادی تبدیل می گردد . سرکوب دگر اندیشان ضد امپریالیست، دستگیری، شکنجه و قتل آنان در فراموشخانه ها در سطح وسیع و دولتی سازمان داده می شود . در حالیکه همزمان با این جنایات، ساواکی ها و ضد انقلاب به کشور باز می گردند و اعمال ضد انقلاب - از نوع فضا نپرورها از زندان آزاد می گردند .

عدالت اجتماعی، خواست بحق و عادلانه زحمتکشان، که برای تحقق آن در انقصاب جانبازی کردند و شهید دادند، به محال فراموشی سپرده می شود . نه زمین به دهقانان داده می شود و نه رفاه نسبی کارگران تأمین می شود . برعکس با انواع بیبانه ها و از جمله به بیبانه " جنگ "، که به آن پایان نمی دهند، فشار زندگی را بر دوش

# تشدید مداخله امپریالیسم آمریکا در لبنان

حالت افزایش است. از واشنگتن صدای تهدید آمیزی علیه خلق لبنان بگوش میرسد. قدرت نظامی آمریکا در منطقه خاور نزدیک روپوشه افزایش است. امپریالیسم آمریکا پیوسته بیشتر و بیشتر در حوادث لبنان شرکت مستقیم می‌کند و وضع انفجار آمیز در منطقه را باز هم خطرناکتر می‌نماید. این خطرات، که استقلال و آزادی خلقهای منطقه را شدیداً مورد تهدید قرار می‌دهد، لزوم هرچه بیشتر وحدت عمل تمام نیروهای ضد امپریالیست در منطقه و خارج از آنرا مورد تأکید قرار می‌دهد!

نظامی پنتاگون در خاور نزدیک را تکمیل می‌کند. یگان‌هایی از نیروهای مداخله سریع، زیر پرچم "نیروهای چندملیتی در شبه جزیره سینا مستقر شده‌اند. پیاده نظام دریایی آمریکا با نقاب "نجات دهندگان" در لبنان جای پای خود را مستحکم می‌کند. اینک، همانطور که انتظار میرفت، معلوم میشود که این "حامیان صلح" همانا اشغالگران معمولی هستند، که ایثاتی ندارند که بزرگ اسلحه حضور خود را به کشورهای دیگر تحمیل نمایند. دخالت آمریکا در لبنان بطور تصادفی در

امپریالیسم آمریکا که با ماسک "مأموریت صلح آمیز" وارد لبنان رنج کشیده شده بود، اینروزها بطور کلی نقاب از چهره برگرفت و نقش واقعی خود را بشناخت. ژاندارم جهانی و خفیه کننده آزادی خلقها آشکارتر کرد. پیاده نظام دریایی آمریکا بروی مردم لبنان آتش گشود. در این حمله وحشیانه، فرماندهان آمریکائی تمام امکانات خود از جمله نیروی هوائی و تیپخانه را مورد استفاده قرار دادند.

امپریالیسم آمریکا که الهام بخش و مشوق سهیونیست‌های اسرائیلی در تجاوز به لبنان بود اکنون دیگر خود از پشت‌صحنه به جلوی سسمن تراژدی لبنان می‌آید. از روی منطق حوادث، رسیدن به چنین وضعی خود بخود قابل پیش بینی بود زیرا هدف اصلی امپریالیسم آمریکا تحقق بخشیدن به نقشه‌های برتسری جوینامش در خاور نزدیک است. او می‌خواهد که با ایجاد تکیه گاههای نظامی در منطقه، ثروتهای طبیعی منطقه خاور نزدیک و بویژه منابع نفتی عظیم آنجا را زیر کنترل خود درآورد و جلوی روند دگرگونیهای ترقیخواهانه در دنیای عرب را سد نماید. بدین منظور امپریالیسم آمریکا از چویدست ماشین نظامی اسرائیل استفاده می‌کند. ولی اسرائیلی تنها وسیله او برای ایراد فشار به کشورهای عربی نیست. زیر عنوان پر سرو صدای تبلیغاتی "پنگرات صلح" فرستادگان واشنگتن، پایتخت‌های کشورهای عربی را زیر پا می‌گذارند و اینروزها بخصوص ماکفارلین "نوجه" کلارک دستیار ریگان در مسائل امنیتی، ستاریوی دخالت



لبنان: واحد‌های آمریکائی به طور فزاینده‌ای در کشمکش‌های داخلی این کشور دخالت می‌کنند.

## دخالت مستقیم "سیا" در سقوط هواپیمای مسافربری کره جنوبی

از جانب سی‌آی‌ا - ای مأموریت داشته و میخواستند در مناطق استراتژیک جزیره ساخالین و حوالی آن با وسایل الکترونیکی جاسوسی کنند. این یک تحریک خطرناک علیه اتحاد شوروی و صلح و امنیت بین‌المللی است. این ادعا که خلبانان هواپیمای بوئینگ کره جنوبی گویا بعلمت نقص فنی ارتباط خود را با زمین از دست داده بودند درست نیست. نوار گزارش آنان به ایستگاه زمینی ژاپنی مبنی بر اینکه تمام وسایل ارتباطی هواپیمای پطور عادی کار می‌کند موجود است.

درک این واقعیت که چه کسانی نفع داشته‌اند که این هواپیمای مسافربری سقوط کند تا از یک تراژدی انسانی، که خود بوجود آورد مانده برای دسترسی به مقاصد شوم سیاسی خود استفاده کنند چندان دشوار نیست. ریگان رئیس جمهور آمریکا پس از سقوط هواپیمای اعلام کرد با کشوری که بخود اجازه می‌دهد این چنین رفتار کند چطور می‌توان مذاکره کرد! با این سخنان بلافاصله هدف توطئه‌گران برای بهره برداری سیاسی بقیه در صفحه ۱۶

هواپیمای متجاوز اجرا کردند. خلبانان اتحاد شوروی ضمن قطع پرواز، هواپیمای متجاوز امکان نداشتند معلوم کنند که این یک هواپیمای مسافربری است یا نه. این هواپیمای در تاریکی شب بدون چراغهای مخصوص ناوبری پرواز می‌کرد. ادعاهای رئیس جمهور آمریکا که گویا خلبانان شوروی می‌دانستند این یک هواپیمای مسافربری است کاملاً دور از حقیقت است.

دهها خطوط هوائی بین‌المللی از فراز خاک اتحاد شوروی می‌گذرند. در این خطوط هوائی سالهای زیادی است که هواپیمای کشورهای خارجی پرواز می‌کنند. در صورتیکه این هواپیمایها مقررات پرواز را رعایت می‌کنند هیچ حادثه سوئی روی نمی‌دهد.

این انحرف قیلاً برنامه ریزی شده بوده و خلبانان هواپیمای مسافربری کره جنوبی که نظامی بودند در واقع

هفته گذشته یک هواپیمای مسافربری کره جنوبی تیپ بوئینگ ۷۴۷ که از آمریکا عازم این کشور بود بجای حرکت بطرف سنول در حوالی کامچانکا و جزیره ساخالین حدود ۵۰۰ کیلومتر از کریدور هوائی تعیین شده برای پرواز هواپیمای مسافربری منحرف گردید و وارد حریم هوائی اتحاد شوروی شد. نقش کنندگان حریم هوائی شوروی، که هیچگونه ارتباطی با ایستگاه‌های کنترل هواپیمای شوروی پیرامون علل انحراف خود از مسیر تعیین شده نگرفته بودند همچنین نسبت به علائم ارسالی از طرف هواپیمای نظامی اتحاد شوروی، که به تحقیق آنان پرداخته بودند واکنشی نشان ندادند و دعوت برای فرود آمدن در نزدیکیترین فرودگاه را ندیده و نشنیده گرفتند و تلاش به فرار کردند، شکاری‌های بازدارنده نیروهای دفاع ضد هوائی اتحاد شوروی فرمان مرکز فرماندهی را درباره قطع پرواز

# «هفت خواهران»، علیه اوپک

در دهه اخیر، از زمان تشدید اولین بحران انرژی جهان با نگرانی تغییر و تحولات در بازار نفت را دنبال می‌کند. نیمی از انرژی مصرفی بشریت از نفت تأمین می‌شود. بیست درصد معاملات در جهان مربوط به نفت است.

شش برابر شدن قیمت نفت، (سود و ن احتساب تورم) عواقب سنگینی را برای ساختار معاملات بین‌المللی در برداشته است. این امر بر سطح موازنه تجارت و پرداختها و اعتبارات بین‌المللی، نرخ رو به تزايد تورم و توسعه اقتصاد می‌مؤثر است. بدین خاطر کشورهای غربی همواره مصویبات کنفرانسهای اوپک را، که در آنها قیمت نفت تعیین میگردد، با عصبیت خاصی دنبال می‌کنند.

آخرین کنفرانس اوپک در اواسط ماه ژوئیه در هلستینگی برگزار شد. شرکت کنندگان در این کنفرانس (یعنی وزرای نفت ۱۳ کشور عضو) تصمیم گرفتند قیمت استاندارد جهانی نفت سبک غربی را ۲۹ دلار برای هر بشکه تعیین کنند. این قیمت ها برای سه ماهه آخر سال ۱۹۸۳ و همچنین میزان استخراج کتونی نفت برای هر کدام از کشورهای عضو اوپک در کنفرانس ماه مارس، که در لندن برگزار شد، تثبیت شده بود.

## کاهش قیمتها

در کنفرانس لندن، اوپک مجبور شد قیمت نفت را از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار کاهش دهد. علل آن نیز از جمله بحران اقتصادی موجود در غرب و کساد بازار مواد انرژی را، که مولود صرفه جویی در مصرف انرژی و افزایش استخراج نفت در حوزه‌های نفتی خارج از شعاع عمل اوپک (مکزیک، بریتانیا و نروژ) می باشد، شمرده میشوند.

میزان نفتی که کشورهای ایران، ونزوئلا، کویت، لیبی و الجزایر مجاز به استخراج آن بود، به ترتیب ۱۲۰، ۸۴، ۵۳، ۵۰، ۵۰ و ۷۰ میلیون تن بود. برای کشورهای دیگر میزان کمتری معین گردید. عربستان سعودی این حق را برای خود قائل شده که میزان استخراج نفت خود را طوری تنظیم کند تا مجموع مقدار نفت استخراج شده توسط اوپک از مرز ۸۷۵ میلیون تن تجاوز نکند. اوپک در واقع کمی پیش از ۸۰۰ میلیون تن نفت استخراج می‌کند.

رقیبان اوپک نتوانستند جای کاهش عظیم صادرات نفت ۱۳ کشور اوپک را در بازار جهانی پر کنند.

معاملات نفت در کشورهای سرمایه داری غرب بطور محسوس رونق گرفت. بازار نفت در جهان سرمایه داری نسبتاً تثبیت شد. کمی قبل از برگزاری کنفرانس هلستینگی، نفت

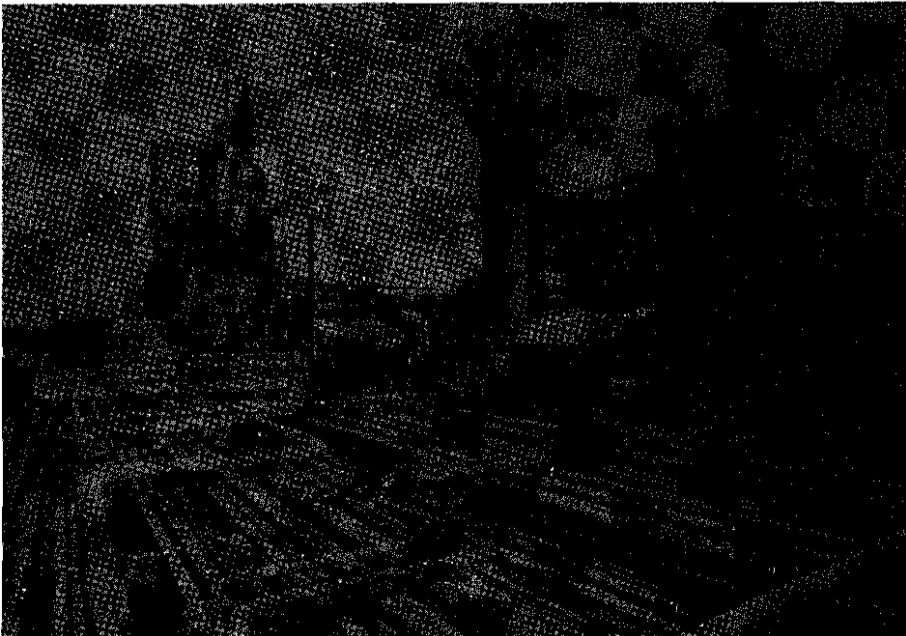
در بازار آزاد روتردام، که به درجه سنج رونق اقتصادی مشهور است، به قیمت بشکه‌ای ۲۹ دلار مورد معامله واقع شد. بدین علت اوپک نیز قیمت نفت خود را با قیمت حاکم در بازار نفت تطبیق داد. اوپک در نتیجه عمل اعضای خود، نه تنها توانست در مقابل بحران اقتصادی ایستادگی کند، بلکه قادر شد به عامل مهم تثبیت کنند. بازار نفت نیز تبدیل شود.

در این بین معلوم شد که بعضی از کشورهای عمده غربی، در درجه اول آمریکا، کانادا و بریتانیا، کاهش بیشتر قیمت نفت را تحمل نخواهند کرد. زیرا استخراج نفت توسط این کشورها که با تحمل هزینه گزافی انجام می‌گیرد

کوشش فراوان توانسته بود خود را با قیمت های بالای نفت تطبیق دهد. تغییر در این امر عواقب نامطلوبی را برای جهان سرمایه داری در بر خواهد داشت.

مصویبات کنفرانس اوپک در هلستینگی، نظر کسانی را که کاهش قیمت نفت تا میزان ۱۵٪ حتی ۲۰٪ دلار را در هر بشکه پیش بینی کرده بودند، رد کرد.

بدینسان، با توجه به این امر بود که صحبت از ایجاد انشعاب و متلاشی کردن اوپک به میان آمد تا تسلط مجدد انحصارات نفتی بر بازار نفت تأمین گردد. با الهام از این تصمیم، تعطیلات بورژوازی نوشتند که «دوران اوپک»



به پایان رسیده و راهی غرب از یوغ آن نزدیک است.

محافل امپریالیستی نمی‌خواهند ببینند که کشورهای اوپک در بازار نفت و سیستم اعتباری بین‌المللی به عامل مهم و نسبتاً مستقلاً تبدیل شده‌اند. یک پنجم سپرده‌های بانکی بازار دلار اروپائی به اوپک تعلق دارد. جمع کل صدور سرمایه از کشورهای عضو اوپک از مرز ۴۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته است. در نهایت اوپک دول امپریالیستی را به مثابه نمونه‌ای برای اتحادیه های صادر کننده کالا و سرمایه به کشورهای در حال رشد دچار وحشت کرده است.

## تاریخ رقابتها

چنانکه می‌دانیم، اوپک در سال ۱۹۶۰ توسط گروهی از کشورهای در حال رشد استخراج کننده نفت، به منظور دفاع از منافع برحقشان در برابر راهزنی کسرتها تشکیل شد. بقیه در صفحه ۱۴

مقرون به صرفه نبود. بدینعلت بود که، بانکهای چند ملیتی، که بر سیستم اعتباری سرمایه داری تسلط دارند، با کاهش هر چه بیشتر قیمت نفت مخالفت کردند. آنها از این هراس داشتند، که تعدادی از کشورهای در حال رشد استخراج کننده نفت به علت زیانهای عظیمی که در این راه متحمل خواهند شد در موقعیتی نخواهند بود تا بدیهی‌های خود را باز پرداخت کنند. در آمد های کشورهای اوپک از محل صدور نفت، از ۲۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۰۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ کاهش یافته است.

بطور خلاصه می‌توان گفت: چنانکه کارشناسان اقتصادی دیگر کشورها عقیده دارند، مصویبات کنفرانسهای لندن و هلستینگی باعث کاهش معین میزان تورم گشته و به غرب امید کاهش حدت بحران اقتصادی را می‌دهد. اما جنبه‌های منفی اوضاع جدید را نیز نباید از نظر دور داشت. اقتصاد سرمایه داری با



# موضع حزب توده ایران در مورد جنگ روشن است!

بن بست ادامه جنگ عراق و ایران و خواست مردم برای قطع فوری جنگ، به یکی از بزرگترین مسائل جاری در میهن ما تبدیل شده است.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تمام کمبودها را با بهانه جنگ توجیه می‌کند تا از انجام وظایف خود در این عرصه شانه خالی کند. در عین حال حاکمیت به جای پایان دادن به این جنگ، به ادامه اش پافشاری کرده و حتی در فکر گسترش دامنه آن است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران با سیاستی که در پیش گرفته است خود به عامل بوجود آمدن نارسایی‌هایی، که بردش مردم زحمتکش و محروم میهن ما سنگینی می‌کند، تبدیل شده است.

حزب ما نظر خود را پیرامون مسئله جنگ در تمام مقاطع آن اعلام داشته و صریحا روشن کرده است. از جمله در مصاحبه‌ای با نشریه فرانسوی "روولسیون" نظرات حزب ما به روشنی و صراحت بیان شده و ما برای تأکید دوباره بر نظرات خود، در این شماره "راه توده" اقدام به چاپ مجدد آن می‌کنیم!

نظامی متجاوزین عراقی به ترك زمین‌های اشغال شده از میهنمان پشتیبانی کرده است، عقیده دارد که ادامه این جنگ در شرایط کنونی تنها و تنها بسود امپریالیسم جهانی و صهیونیسم اسرائیل در منطقه است. امپریالیسم آمریکا می‌کوشد که از درگیری دو کشور از بزرگترین کشورهای منطقه خلیج فارس بهره‌گیری کند و مواضع خود را در این منطقه هر روز مستحکمتر سازد و شرایط را برای استقرار حکومت‌های کاملاً وابسته بخود در این دو کشور آماده گرداند. صهیونیسم اسرائیل هم با راهنمایی و پشتیبانی آمریکا، از این درگیری هر روز بیشتر بهره‌گیری میکند و فشار خود را بر مردم فلسطین و لبنان می‌افزاید و تجاوز جناح یسار خود را گسترش می‌دهد. بی‌جهت نیست که هم آمریکا و هم اسرائیل و هم سایر همدستانشان در دنیای امپریالیستی میکوشند تا از همه راه‌های ممکن نفت بر این آتش‌پریزند و شعله‌های جنگ بین دو ملت محروم و برادر را، هر قدر ممکن است، شعله ورتر سازند.

بسیاری از دولتمردان و مسئولان در حاکمیت ایران هم این واقعیت تلخ و دردناک را می‌بینند، ولی با کمال تأسف هنوز دور نمایی برای پایان یافتن جنگ پدیدار نشده است. از طرف دیگر، باید انتظار داشت که با تدارکات وسیع و همه‌جانبه‌ای که امپریالیسم آمریکا در تمام منطقه اطراف خلیج فارس، از دریای مدیترانه و دریای سرخ گرفته تا پاکستان، دیده است، ادامه جنگ میان ایران و عراق و بویژه حدت یافتن آن، وضع منطقه را بطور جدی و بسود امپریالیسم متزلزل سازد. واقعیت مسلمی است که هدف اساسی و تغییرناپذیر امپریالیسم آمریکا در منطقه براندازی رژیم کنونی جمهوری اسلامی و جانشین ساختن آن با یک رژیم سرسپرد به آمریکا است، امپریالیسم آمریکا میکوشد با فشارهای خارجی و یا از راه تحریکات داخلی در جهت مسخ حاکمیت کنونی ایران و مسلط ساختن نیروهای راست در آن، به این هدف برسد. ادامه جنگ، که بدون تردید موجبات ضعیف کردن ایران را دربر خواهد داشت، برای پیشرفت این نقشه جبهنی امپریالیسم آمریکا شرایط هر روز مساعدتری بوجود می‌آورد.

بر پایه این واقعیات، حزب توده ایران بر آن است که ادامه این جنگ با زیانهای بازهم بیشتری برای میهن ما همراه خواهد بود، و بر عکس، پایان بخشیدن به جنگ ظریف هم خساراتی و زیانهای که وارد آورده است، از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه‌های شیطنی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه، اثر عمیق خواهد گذاشت ما لا بسود انقلاب ایران و گسترش جنبش ضد امپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد.

س: جنگی که کشور شما را در مقابل عراق قرار داده همچنان ادامه دارد. این جنگ تا کون قربانیان زیادی داشته و ضربات شدیدی نیز بر اقتصاد کشور وارد آورده است. شما پایان دادن به این جنگ را چگونه می‌بینید؟

ج: نظر شما درست است. جنگی که آتش آنرا امپریالیسم آمریکا روشن کرد و با تجاوز همدشکنانه نیروهای عراق به یکی از حساسترین مناطق اقتصادی و سوق الجیشی میهن ما آغاز گردید و اکنون سال سوم خود را میگذراند و هنوز دورنمایی برای پایان پذیرفتن آن دیده نمیشود، تا کتون به دولت ایران و عراق خسارات انسانی و مادی بسیار سنگین وارد ساخته است. خسارات وارده از لحاظ انسانی بر دو طرف مدت‌هاست از مرز صد هزار نفر گذشته و خسارات مادی آن در ایران در این یک سال ۲۰-۱۵ میلیون دلار از امکانات مالی ملت ایران را میبلعد و بدون شک در عراق هم همینطور است. صدها هزار نفر از جوانان دو کشور، بجای فعالیت سازنده برای شکوفای کردن اقتصاد و فرهنگ میهن خود، رودرروی هم ایستاد هاند و یک دیگر را نابود میکنند.

علاوه بر این خسارات و شاید مهمتر از آن خسارات، تاثیر بسیار منفی جنگ بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران است. تجاوز عراق، که به تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، غیراثر ناتوان کردن ایران انقلابی و هدف مهم دیگر نیز داشت، یکی ایجاد مصنوعی دشمنی میان خلفای ایران و خلفای عرب همسایه و در پیامد آن، کند کردن سرعت تاثیر انقلاب ایران در کشورهای امپریالیسم زده و ارتجاعی منطقه، دوم کند کردن روند گسترش و تکامل انقلاب در خود ایران. در پیامد جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران به سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرمهای مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره‌گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کند تر و کند تر کردند. و آنرا به رکود کشاندند. در این چهار چوب میتوان امروز به روشنی دید، که با کمال تأسف امپریالیسم آمریکا، که آتش افروز اصلی این جنگ است، به بخش زیادی از هدفهایی که با روشن کردن این آتش در برابر خود قرار داده بود، رسیده است.

حزب توده ایران در عین اینکه همیشه از لزوم مجبور کردن

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**

# پیرامون دخالت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی افغانستان

روزنامه "حقیقت انقلاب شور" ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در شماره یکشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۲ خود زیرعنوان "پیوند سیاهکاران تاریخ" گزارشی از ولایت هرات چاپ کرده، که بخش بزرگی از آن مربوط به دخالت های ناروای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشور برادر و همسایه افغانستان است.

"راه توده"، بخشهایی از این گزارش را برای اطلاع خوانندگان خود نقل می کند:

"با ورود به شهر دریاقتیم عملیات پاک سازی در ولایت هرات موقفانه ادامه داشته و ضربات کوبنده ای بر پیکر باند های ضد انقلابی صادر شده از خارج، که در این اواخر تلاش داشتند اوضاع را در ولایت هرات بر هم بزنند وارد شده است. در عملیات پاکسازی اخیر سلاحهای گوناگون ساخت آمریکا، مصر، ایران، چین و پاکستان که از عناصر ضد انقلابی بدست آمده بود، شاهده زنده و انکارناپذیری بر مدخله کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی در امور داخلی کشور ما بشمار می رود. ما برای دیدن سلاحهای بدست آمده به بخش ۱۷ هرات رفتیم. روی اکثر این سلاحها مارک جمهوری اسلامی ایران و رژیم شاهنشاهی ایران بوضوح به چشم می خورد. همراه با این سلاحها، اسناد مطبوعاتی بدست آمده که در چاپخانه های دولتی ایران با مارک جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است.

سید علی یکی از این مزدوران که در جریان عملیات پاکسازی در دیوانچه دستگیر گردیده بود، از شبکه وسیع پایگاههای آموزشی نظامی مزدوران در امتداد مرزهای افغانستان در داخل خاک ایران برده برداشت. وی اظهار داشت: در تایباد، گیلانغرب، مشهد، قسقم،

ایران و عراق می جنگند و همچنین صورت اسامی تعدادی از آنانرا که جان خود را در این جبهه ها از دست دادمانند در اختیار ما گذاشت. وی اظهار داشت در میان این فراریان اگر کسی حاضر نشود به این جنگ برود مقامات ایرانی بستگان آنانرا گروگان گرفته و مجبورشان می کنند به این مرگ وحشتناک تن در دهند. وی که رابطه نزدیک با باند آدمکش "قاری یکدست" داشت، از دخالت های روحانیون راستگرای ایران در امور داخلی کشور ما پرده برداشت. اسناد دخالت مقامات ارتجاعی ایران در امور داخلی افغانستان کم نیست. عبدالعزیز در بیروت بر اسمعیل سرکرده یکی از گروههای ضد انقلابی وابسته به باند باصطلاح "جمعیت اسلامی"، که در عملیات اخیر در ولایت هرات دستگیر گردید افشا کرده که گروهی ۱۴ نفری از پاسداران ایرانی طبق برنامه معین هر سه ماه یکبار بدخل افغانستان می آیند و به آموزش عناصر وابسته به این دار و دسته می پردازند. این گروه اطلاعات اعضای باند را در مورد افغانستان جمع آوری نموده و به ایران انتقال میدهند.

نمونه پرسشنامه مربوط به اردوگاه در سبزواری هم روزنامه کلیشه کرده است. این بود خلاصه گزارش روزنامه "حقیقت انقلاب شور". همه این دخالت ها در امور افغانستان در حالی انجام میشود، که ما با دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان به ظاهر مناسبات رسمی سیاسی داریم و مقامات حاکمیت جمهوری اسلامی مدعیند که در امور داخلی دیگر کشورها مدخله نمی کنند. در حالیکه آنها با مهربانی و آرام جمهوری اسلامی ایران به "تربیت" مزدوران دست نشانده یعنیظهور اعمال جنایات تروریستی و بعب گذرای و آذکشی تحت عنوان مبارزه علیه "تجاوز کمو-نیسم" می پردازند و با این شیوه خود بعنوان چویدست ارتجاع جهانی و امپریالیسم در "جنگ صلیبی ضد کمونیستی" بکار گرفته می شوند!

سبزواری، زاهدان، تهران و دیگر شهرهای ایران اردوگاههای نظامی تأسیس شده و فراریان افغانی برای فرا گرفتن فنون جنگ، آتش افروزی، قتل، تخریب و جنایات دیگر روانه آنها میگردند. گروهی از اینها پس از فراگیری تاکتیک های نظامی، به جبهه های جنگ ایران و عراق گسیل میشوند و گروهی دیگر برای ایجاد حریق و تخریب و قتل بدخل افغانستان فرستاده میشوند. در شامگاه سومین روز اقامتشان در این شهر با یکی از وابستگان باند "قاری یکدست"، که توسط مقامات امنیتی گرفتار گردیده بود ملاقات کردیم. وی از ما خواست تا نامش را فعلا افشا نکنیم. او صورت طولی از افغانستانیکه در جبهه های جنگ

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کشور  
اردوگاه افغانه در سبزواری

نام	نام خانوادگی	ناظر	شماره شناسنامه
تاریخ تولد	محل صدور	محل سکونت در کشور افغانستان	
تعداد همراه	تابع کدام حزب در افغانستان بوداید	مذهب	
برام حزب چه بوده است	حرفه	تخصص	
میزان سواد	سن		

بهدست از افغانستان خارج شده اید؟  
چرا به ایران آمده اید؟  
چگونه و چه تاریخی به افغانستان برمیگردید؟  
آیا حاضرید آموزش نظامی دیده و در زمره مجاهدان انقلاب اسلامی افغانستان علیه نیروی تجاوز کمونیست بجنگید؟  
شمعی از حرارت داخلی افغانستان را بگوئید

## همکاری کشورهای امپریالیستی با دولت فاشیستی ترکیه

رفتار ضد انسانی مقامات دولتی امپریالیسم آلمان فدرال باعث آن گشت تا یک جوان مبارز در برلن غربی خود را از طبقه ششم دادگاه اداری به پائین پرتاب کند و از این طریق با مرگ خود را از خطر تحویل به دست رژیم استبدادی حاکم در ترکیه و شکنجه های وحشیانه "نجات" دهد.

این جوان مبارز که کمال آلتون نام داشت به علت پیگرد سیاسی مجبور به جلای وطن شد و در شهر برلن غربی تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. تقاضای وی از طرف سازمان امنیسم پناهندگان پذیرفته شد. اما دولت آلمان فدرال، که همانندج ۱۰۱۰ روابط تنگی با رژیم نظامی حاکم بر ترکیه دارد، در پی تقاضای دولت ترکیه مبنی بر استرداد آلتون با تقاضای

پناهندگی سیاسی وی مخالفت کرده و کمال آلتون را بازداشت و زندانی کرد. کمال آلتون ۱۳ ماه در زندان بود. وی در جریان دادرسی که احتمالا به تحویل وی به رژیم ترکیه می انجامید به زندگی کوتاه خود پایان داد. قد راسیون کارگران ترک در آلمان فدرال طی بیانیه ای دولت این کشور را در مسئولیت مرگ جانگد از آلتون سهیم دانست. در این بیانیه آمده است، که تحویل مبارزان ترک به رژیم حاکم در این کشور، باعث آن گشته که این مبارزان سر از شکنجهگاههای رژیم در آورند. برای دولت آلمان فدرال همکاری با هم پیمانان ناتوی اش، رژیم فاشیستی حاکم بر ترکیه، مهتر از زندگی دموکراتهای ترک است. در هفته های اخیر مسئله همکاریهای اطلاعاتی سازمان

های امنیتی آلمان فدرال و ترکیه خصوصا علیه مبارزینی که در آلمان فدرال به سر می برند آشکار تر گشت.

پس از کودتای نظامی در ترکیه تمام نیروهای انقلابی و ترقی خواه در این کشور تحسنت پیگرد های شدید قرار گرفتند. سازمانهای صنفی کارگری، از جمله سندیکای "دیسک" ممنوع اعلام شده و رهبران آن به زندان افکنده شدند. حتی فعالیت احزاب بورژوازی نیز ممنوع شده است.

در پی کودتا، بندگان وابستگی ترکیه که ضو پیمان تجاوز کار ناتو است، به کشورهای امپریالیستی محکم تر شده و نقش آن در جبهه جنوبی ناتو و در منطقه خاور نزدیک اهمیت خاصی پیدا کرده است.

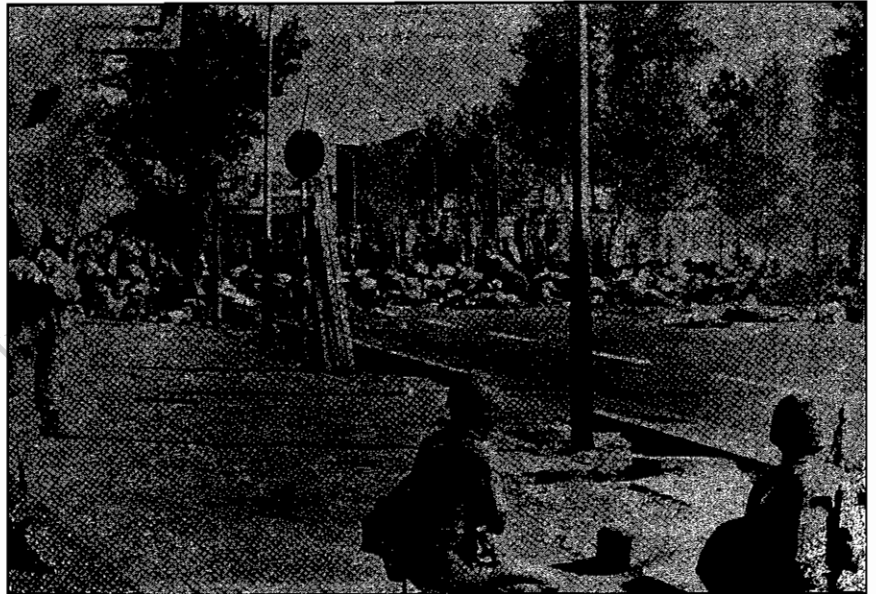
نظر به این وضع، طبیعی است که پیگرد نیروهای انقلابی از مرزهای کشور نیز فراتر رفته و به کمک متحدان امپریالیستی در این کشورها نیز ادامه یابد.

# پیمان با خون شهدای ۱۷ شهریور برای ادامه نبرد با آمریکا!

پنج سال از جمعه خونین میگذرد. در این کشتار جمعی، در این روز شهادت خلقی، مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت و ترقی در برابر عاملان وابستگی، اسارت، خفقان، ظلم، فساد و عقب ماندگی قرار گرفتند. دوشیمانی که آن روز، از زمین و آسمان زنان و مردان آزاده و بی سلاح را به رگبار مسلسلها بستند، از این قصایی ددمنشانه چه میخواستند؟ آنها پنج سال پیش همان را میخواستند که امروز میخواهند؛ ایرانی با آرامش گورستانی، که در مرزهای سبز آن فتودالها بچزند، حاصل خون مرق زحمتکشان را سرمایه داران داخلی و خارجی در کیسههای گشادشان بپزند و میلزین راه آزادی و استقلال در زندانها و در زیر

آب رفته را به جوی تاریخ بازگرداند. امروز، امپریالیسم آمریکا به قیمت "جمعه خونین" دیگری از تودهایها و هزاران مبارز دیگر ضد امپریالیست و آزاد یخواه به میهن ما باز میگردد. اگر امپریالیسم در جمعه خونین نتوانست فریاد "مرگ بر آمریکا" را خاموش کند، اکنون هدف خاموش کردن فریاد "مرگ بر آمریکا" به محصول می نشیند.

اگر پنج سال پیش جوخه های اهدام بلا لباس رسمی، در میدان شهدا، خلق را به مسلسل می بستند، امسال در پنجمین سالروز این جنایت ضد بشری، اخلاف همان دوشیمان در زندانها همان اندیشه را در سر می پروارند. آنها برآنند که داستان ناتمام ۱۷ شهریور را به



پایان ببرند. اما تاریخ سخن دیگری دارد. خلق قهرمان فرمان خویش را به تاریخ اعلام کرده است.

اگر هر روز ۱۷ شهریور شود، ماگر جوی خون در خیابانها سرازیر شود، مردم قهرمان ایران تا آخرین نفس خواهند رزمید و ریشه سلطه امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آنرا از خاک وطن خواهند کند.

بگذارد در آستانه این روز خونین که لاله های استقلال و آزادی ایران در سپیده دم آن بر میدان شهدا روید، در مقابل شهدای آن سر تعظیم فرود آوریم.

بگذارد با خواهران، برادران، پدران، مادران و کودکانی که در جمعه خونین در خون خود غلتیدند، میثاق ببندیم که راه آنها را تا پیروزی کامل ادامه خواهیم داد.

بگذارد دشمن بداند که، اگر همه جمعه ها خونین و همه روزها از جمعه خونین تر شود، ما که از سالانه شهیدان قهرمان ۱۷ شهریوریم از پای نخواهیم نشست.

شکنجه های جلادان "گوشمالی" شوند. فرزندان دلیر میهن ما، همه زنان و مردان میهن پرست و آزاده ما برای آن رزمیدند که سلطه امپریالیسم و ارتجاع از میهن ما ریشه کن گردد، دست سرمایه داران بزرگ و وابسته و مالکان بزرگ از ثروت ملی و نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ما کوتاه شود و مردم میهن ما پس از اینهمه ظلمی که بر آنها رفته است، از استقلال و آزادی و عدالت و رفاه و متری برخوردار گردند. و اینکه در زمانی سالگرد جمعه خونین را برگزار میکنیم، که دیگر چیزی از دستاوردهای انقلاب بزرگما، خواست مردم قهرمان ما، آرزوی شهیدان جانباز ما باقی نمانده است.

نیه شیی که اردشیر زاهدی خائن بافرمان قتل عام تودها از واشنگتن رسید و سحرگاهش فرمان انحصارات بزرگ به جوخه های اسد ام میدان ژاله ابلاغ شده، امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار تصمیم خود را گرفته بود؛ برای تسلیم کردن مردم ایران هر کاری مجاز است. امپریالیسم آمریکا چون سراسر تاریخ ننگین خود میکشد با کشتار توده ها،

## حرف تو حرف

" آقای محمدرضا راشدی، نمایندۀ مردم مغان، به مسئله احتکار و گرانی اشاره کرد و گفت: چرا شمشیرهای عدالت را غسلافت کرد ماید؟ " (صبح آزادگان، ۵ مرداد ۶۲)

— برای اینکه شمشیرهای ستم و بی عدالتی را بیرون کشیدهایم!

" مگر نمی بینید این گرانفروشان و محتکرین دماز روزگار مردم محروم در آورده اند؟ " (همانجا)

— اختیار دارید! این ها بازاریان مسلمان و متعهد هستند که در "سنگر مقدس بازار" به "مبارزه" (با جیب نحیف خلاق به سود کیسه گشاد خود) مشغولند! بعلاوه "وجوه شرعی" خود را هم مرتب می پردازند!

" این ضد انقلابیون را چرا سرکوب نمی کنید؟ " (همانجا)

— برای اینکه وقت نداریم! فعلا سرگرم سرکوب کردن انقلابیون راستین هستیم!

" مگر نمی دانید هر روز مردم را نسبت به انقلاب بدبین می کنند؟ " (همانجا)

— بدبین تر از این؟ مگر می شود؟!

" شما را مردم در مستند نشانده اند؟ " (همانجا)

— و حالا می گویند: کاش نشانده بودیم!

" حالا از شما می خواهند با گرانفروشان و محتکران با قاطعیت عمل کنید؟ " (همانجا)

— ما و قاطعیت؟! ما سراپا تسلیمیم، تسلیم محض!

" نوکران آمریکا مجازات سنگین تری باید داشته باشند؟ " (همانجا)

— گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آن که هست گیرند!

" این همه در رادیو و تلویزیون و سخنرانیها از گرانی و مجازات ماملین گرانی گفته می شود ولی عمل نمی گردد. خواهش می کنم اگر جرأت انجام کاری را ندارید، لااقل حرف هم نزنید. " (همانجا)

— آقای راشدی! آقایان نمایندگان محترم! آقای نخست وزیر! آقایان وزرا! خواهش میکنم اگر جرات انجام کاری را ندارید، لااقل حرف هم نزنید! این جور، دست کم، سنگین ترید!

" گرانفروش وقتی می بیند حرف می زنند اما عمل در کار نیست، جری تر می شود. " (همانجا)

— شیطان بزرگ و اعوان و انصارش همینطور!

# در هفته‌ای که گذشت:

## جنگ قربانی می‌طلبد

جنگ خانمانسوز عراق و ایران هنوز ادامه دارد و هر روز قربانیان بیشتری از میان مردم رنج‌دیده و پلاک‌شده هر دو کشور می‌طلبد. در طی هفته گذشته عملیات نظامی در جبهه‌های جنگ ادامه داشت. شهر میوان که در تمام دوران پس از انقلاب در حالت جنگی بود، از طرف هواپیماهای ارتش صدام بمباران شد. بر اثر این عمل وحشیانه حداقل ۴۰ تن از ساکنین بیگناه این شهر کشته و عده کثیری نیز زخمی شدند.

هر روز که از ادامه این جنگ می‌گذرد، عمق ضربت‌های که از این طریق به منافع خلق‌های دو کشور وارد می‌شود نمایان‌تر و لزوم قطع فوری آن ملموس‌تر می‌گردد.

در حال حاضر علیرغم تمام پیامها و خواست‌های کشورهای مترقی جهان و سازمان‌های بین‌المللی، هیچگونه دورنمایی برای پایان این جنگ خانمانسوز وجود ندارد. در عوض هر روز شدیدتر بر طبل‌های جنگ کوبیده می‌شود و سایه این جغد شوم بر میهن ما طولانی‌تر می‌گردد. مقامات جمهوری اسلامی در عین حال که طست عده کمبودها و فشار زندگی را برد و می‌زحمتکشان ادامه جنگ قلمداد می‌کنند، از قدم گذاشتن در جهت پایان آن طفره می‌روند!

## کارنامه دولت کنونی، کارنامه افلاس است!

هفته گذشته ۸ شهریور ماه به مناسبت سالگرد شهادت رجایی و باهنر، از سوی ج ۱۰۱۰ دولت نامگذاری شد. مقامات ج ۱۰۱۰ و نیز رسانه‌های گروهی به طوق مختلف در رابطه با "هفته دولت" سخنرانی کردند و مطالبی نوشتند و "دستاوردهای دولت را پرشمرند".

تمام سخنگویان و مقاله‌نویسان کوشش کردند تا این "دستاوردها" را در جهت انقلاب و منافع محرومان معرفی کنند. اما نگاهی گذرا به واقعیات موجود نشان می‌دهد که تنها اقدامات این دولت در جهت تأمین منافع محرومان و پاسخگو به خواست‌های برحق انسان نیست، بلکه برعکس عملکرد آن در جهت تئیسیت پایسه‌های متزلزل نظام غارتگر سرمایه‌داری است. نه تنها به خواست زحمتکشان شهر و ده، به توده‌های محروم جامعه پاسخ مثبت داده نشده است، بلکه صدای اعتراضی و حق‌طلبی آنان نیز که در گوشه و کنار بلند شده و سرکوب و تمام سازمانها و نیروهای هوادار حقوق زحمتکشان تحت پیگرد های سخت قرار گرفته‌اند. دولت نه تنها به هیچکدام از مواد مترقی قانون اساسی و روح مردمی آن، که می‌بایستی

موجد تحول در نظام اجتماعی - اقتصادی جامعه می‌بود، عمل نکرده، بلکه خلاف آن عمل کرده است. علیرغم آنکه قانون اساسی تصریح می‌کند که بخش‌های دولتی و تعاونی اقتصادی ارجحیت دارند، دولت در تمام برنامه‌ها و اقدامات خود بر بخش خصوصی تأکید و اتکاء داشته است. برخلاف قانون اساسی که حق کار، مسکن و بهداشت را تصریح کرده و دولت را موظف به برآورده ساختن این حقوق ملت کرده، دولت هیچ اقدامی در این جهت انجام نداده و برعکس با سیاست ضد کارگری و ضد محرومان خود به وخیمتر شدن وضع آنان کمک کرده است. دولت در مقابل توطئه بازگرداندن کارخانه‌های ملی شده به صاحبان سابق آنان به تنها بی‌عمل مانده، بلکه خودبخوبی از موازین بانی این عمل بوده است. دولت با هیچکدام از وعده‌های خود و با هیچکدام از اقدامات "قاطع" خود نتوانسته است از گرانی و کمبود کالاهای ضروری بکاهد.

دولت ج ۱۰۱۰ به جای درپیش گرفتن سیاست خارجی فعالی که شایسته انقلاب است، ایران را عملاً در کنار امپریالیسم قرار داده و روابطش با رژیم‌های حسنه است، که به دست نشانده‌ی امپریالیسم شهسورد. کارنامه دولت کنونی کارنامه افلاس است.

بر خلاف آن چیزی که می‌خواهند به مردم القا کنند و برای دولت آقای موسوی "دست‌آورد انقلابی" دست و پا کنند، در کارنامه این دولت، دیگر نکته درخشانی، که مایه امید زحمتکشان باشد، وجود ندارد.

## مضحک‌های بنام ترمیم کابینه

بی‌اعتدالی به مردم را نمی‌توان با سخنان دهن پرکن "دولت خد متکوار و در خدمت مردم" است. در دولت از طاقتوربان یافت نمی‌شوند و همه از مردمند. پرده پوشی کرد. این واقعیت را می‌توان از جمله در جریان معرفی وزیر جدید مجلس دریافت.

در حالیکه رسانه‌های گروهی امپریالیستی، از جمله روزنامه سرمایه‌داری بزرگ آلمان غربی "فرانکفورتر آلگماینه" هفته‌ها قبل مسئله پرکناری وزیر دیگری به جز عسگر اولادی و توکلی را منتشر می‌سازد، آقای رئیس‌جمهور پس از اینکه حیلۀ دولت برای اقوای مجلس و به منظور غالب کردن وزیر جدید بر ملا شد، طی یک مصاحبه مطبوعاتی وارد یوتویزیونی، در پاسخ به این سؤال، که چرا قبلاً استعفای وزیرای مسکن و معادن و فلزات و کشاورزی اعلام نشده است گفت: "لازم نیست که هر استعفایی قبلاً اعلام بشود و بعد وزیر معرفی گردد!" و برای سروسامان دادن به آبروی ریخته و در تضاد با ادعای فوق‌ادامه

می‌دهد:

"متأسفانه این تصور از سوی ما انجام شد که ما قبلاً با مجلس هماهنگی نکرده بودیم" (جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ۶۲).

اگر به مذاکرات مجلس درباره "وزیر معرفی شده توجه کنیم، علت مخفی کاری دولت از مردم و مجلس روشنتر می‌شود.

در آغاز مذاکرات بنابه تقاضای نخست‌وزیر، مجلس وارد جلسه غیر علنی می‌شود. علت این فرار به جلسه "غیر علنی" و "شرایط اضطراری" توسط دولت، همانطور که در جریان مذاکرات افشا شد، مسئله دست داشتن برخی از وزرای معرفی شده در باند بازیه‌های رایج در ج ۱۰۱۰ بوده است. هدف از این اقدام جلوگیری از "اطلاع عموم" مردم از مذاکرات مجلس شورای اسلامی، آنطور که اصل شصت و نهم قانون اساسی می‌طلبد، بوده است. ملاحظه در جلسه غیر علنی، بحث درباره ارتباطات مشکوک وزرای معرفی شده و وجود باند دیگری تحت عنوان "تعاونی سحر" انجام می‌گیرد. آنچه که در جلسه علنی طرح گردید، گوشه‌ای از جریان پشت پرده را نشان داد. از جمله روشن شد آقای کارزونی، که کاندید وزارت مسکن بود و آقای جعفری در رابطه با "تعاونی سحر" از زمین‌های تقسیم شده توسط حاکم شرع در شهرداری تهران نصیبی داشته‌اند و این تعاونی در تخلفات شهرداری تهران و حاکم شرع آن در مورد تقسیم خلاف قانون زمین‌های شهری شریک بوده است.

آقای فواد کریمی نماینده اهواز در مخالفت با وزیر معرفی شده، در مورد آقای کارزونی گفت:

"ایشان در مورد شهردارها که زیر نظر معاونت ایشان بوده است در تخلفات شهرداری شریک می‌باشند." (جمهوری اسلامی ۷ شهریور ۶۲).

علاوه بر ارتباطات مشکوک برخی از ایمن وزرای معرفی شده، عدم صلاحیت و عدم شناخت آنها نیز به عنوان دلائل رأی ندادن به آنها توسط نمایندگان اعلام شد. به عنوان مثال در مورد عیسی کلانتری، که به عنوان وزیر کشاورزی معرفی شده بود، آقای مجید انصاری نماینده مردم زرنجان کرمان به عنوان مخالف گفت: "کسی که در آمریکا در رشته کشاورزی تحصیل کرده و سال ۶۰ (دو سال پس از انقلاب - راه توده) هم به وطن اسلامی برگشته، با توجه به اینکه کشاورزی جهان سوم (را) آمریکا خراب کرده، کشاورزی ما را آمریکا خراب کرده، یقیناً به دانشجویان ما در آمریکا در رشته کشاورزی و شیوه احیا کردن کشاورزی کشورشان به آنها چیزی نمی‌گفتند. تازه اینکه ایشان در زمینه‌های تخصص دارند که بیشتر به تخصص شیعی شباهت دارد، تا به تخصص کشاورزی" (همانجا).

و آقای محمد حسینی نیا نماینده مردم رودسر نیز می‌گوید:

"مسئله وزارت کشاورزی، که عنوان شده بقیه در صفحه ۱۳

## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

برادرمان کلانتری عهده دار آن باشند، دوسال است ایشان از آمریکا تشریف آوردند. تا آنجا که من می‌دانم ایشان چندان در مسائل سیاسی دخالتی نداشته و ندارد. ۰۰۰ ایشان در ترویج و اصلاح بذر و نهال مدیریتی داشته‌اند. آنجا چه کار والایی داشته‌اند که اکنون برای وزارت پیشنه‌اند می‌شوند (؟) ۰۰۰ شما چطور می‌توانید وزارتخانه‌ای را به این مشکلات در اختیار کسی قرار بدید که نه طرح دارد و نه برنامه. شما وقتی که مسئله زمین و اراضی مزروعی را به نفع کشاورزان حل نکردد و وزیر کشاورزی در این دریا غوطه ور شد چه خواهد کرد؟ (همانجا) ۰۰۰ جالب اینجاست که رئیس قوه مجریه آقای رئیس جمهوری اسلامی، پس از کوشش ناموفق دولت برای قالب کردن وزرای از آمریکا برگشته، به تطهیر خود می‌پردازد و بخیال خود از کشتی در حال فرار بیرون می‌جهد و در همان صاحب فوق‌الذکر می‌گوید:

"چگونه میتوان به وزیری که انسان اورا تا این ساعت ندیده و نشناخته و از برنامه‌های او کمترین اطلاعی ندارد رأی اعتماد داد، (!) من هم اگر چنانچه جای این برادران بودم رأی موافق نمی‌دادم!!"

آری این مدافعان "اخلاق اسلامی"، دارای چنین اخلاقی هستند، که در اول و آخر یک صاحب هم از سفسطه و خاک به چشم مردم ریختن دست نمی‌کشند! اما اشتباه می‌کنند، توسل به شیوه "از این ستون به آن ستون" راه فرج بحران در حاکمیت نخواهد بود!

## ظاهر سازی جدید

هفته گذشته یکی از مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی طی گفتگوی کوتاهی با خبرنگار خبرگزاری ج ۱۰۱۰ اعلام کرد:

"جرائمی که در حال حاضر در قانون کار برای کارفرمایان پیش بینی شده مربوط به ۲۵ سال پیش می‌باشد. بعنوان مثال اگر کارفرمایی یک ماده از قانون کار را رعایت نکند ۰۰۰ ریال جریمه می‌شود و یا اگر کارفرمایی از ورود بازرسان کار به کارخانه جلوگیری نماید جریمه‌های معادل ۰۰۰ ریال خواهد شد. این جرائم در زمان حاضر خاصیت خودشان را از دست داده و لازم بود که به میزان آنها افزوده شود. براساس لایحه اصلاحی پیشنهادی وزارت کار و امور اجتماعی ۰۰۰ میزان جرائم کارفرمایان حداقل به ده برابر افزایش می‌یابد" (اطلاعات ۲ شهریور ۶۲)

تنظیم روابط کارگر و کارفرما و ادا شدن کارفرمایان به انجام مقررات قانون کار - معلوم نیست کدام قانون کار مورد نظر است! - در شرایطی می‌توانست معنی داشته باشد که کارگران از حق قانونی تشکیل سازمانهای صنفی خود، که تنها ضامن اصلی اجرای هر قانون کاری است، برخوردار

می‌بودند. زمانی که تمام سند یکاهای کارگری بخاطر دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشسان، از طرف خود وزارت کار و وزیر سابق ضد کارگر، ش ممنوع اعلام شد ماند و شوراهای کارگری کارخانه ها هم به طل من درآوردی تعطیل شده‌اند و حتی کارگرانی که در پی تشکیل های صنفی خود هستند مورد پیگرد قرار می‌گیرند و سازمان های سیاسی کارگران تحت پیگرد و مورد سرکوب شدید واقع می‌شوند و حق طلبی کارگران جرم و گناهی محسوب می‌شود که حکم اعدام میتوان در موردش صادر کرد، زمانی که کارفرمایان در سازمانهای رنگارنگ و تعاونی های کارفرمایی متشکل شده‌اند و از طرف وزارت کار نیز مورد پشتیبانی قرار گرفته‌اند و حرفهای خود را در مسائل کارگری به کرسی می‌نشانند، صحبت از جریمه کارفرمایان - آنها هم به میزان چند هزار ریال! - لوث کردن قضیه است. این اقدام از قماش همان " مبارزه‌های قاطعی " است که بارها توسط مسئولین مملکتی ج ۱۰۱۰ ادعا شده و در واقع دست نوازشی است بر سر کارفرمایان زورگو که حاضرند به خاطر حفظ منافع خود میلیونها تومان نیز جریمه بپردازند، چه رسد به چند هزار ریال!

## جایگزینی نیروهای سرکوبگر بجای نیروی خلق

مدتی است که جمهوری اسلامی بر سرعت تشکیل نیروهای سرکوبگر تحت عناوین مختلف و به بهانه‌های گوناگون افزوده است. نیروهای قضایی و سرکوبگری امثال " نارالله "، " سیا زینب "، " یا زهرا "، " پلیس انقلاب "، " گشت ارشاد اسلامی "، " جندالله " و " ۰۰۰ الله " یکی پس از دیگری مثل قارچ از زمین می‌رویند. اگر بخواهیم گروههای شبه نظامی و تروریستی مخفی و نیمه مخفی " شیت " و امثالهم را که به توصیه مسئولین جمهوری اسلامی ایجاد شده‌اند بر این سیاهه بیافزاییم، روند پلیسی شدن زندگی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران با وضوح بیشتری نمایان می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی به همان نسبتی که از مردم و انقلاب فاصله می‌گیرد، تکیه‌اش بر نیروهای فشار و سرکوبگر نیز بیشتر می‌شود!

زمانی که " کمیته‌های انقلاب " پاسداران انقلاب " جهت حراست از جریم انقلاب از درون خلق می‌جوشیدند و پدر و پسر زحمتکش دوشادوش هم به پاسداری میپرداختند نیروی مدافع و ستون جمهوری اسلامی را نتوده زحمتکش تشکیل می‌دادند. در آن شرایط هر کس از بازگشت کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان، از زور گرفتن ساواکی ها، از سرکوب انقلابیون، از زیر پا گذاشتن قانون اساسی و غیره حال امهریالیتم و " نفوذی ها " دفاع می‌کرد، توده زحمتکش بسا نبرد خنود مشت به دهانش می‌کوفته ولی اکنون " کمیته های انقلاب " و " پاسداران انقلاب " که به وسیله‌های جهت سرکوب طرفداران انقلاب و تحکیم پایه‌های

کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و ابقای قدرت اهریضی سیا - ساواک تبدیل شده‌اند، تنها عنوان " انقلاب " را یدک می‌کشند و در واقع " در لباس کوخ نشینی، کاخ نشین " شده‌اند. افراد صادق و وفادار به آرمان و آماج انقلاب همگی مشمول تصفیه شدند و جای آنان را با عمال ضد انقلاب - راستگرا، عناصر مشکوک و طفیلی پر کرد ماند.

اکنون که دوری از زحمتکشان و اهداف آن ها به عامل روز افزون جدائی حاکمیت از خلق تبدیل می‌شود، رژیم بر آن شده است که بسا ایجاد نیروهای پلیسی دیگری در جهت پر کردن این خلأ تلاش ورزد. بدین طریق ستون خلقی ای که حاکمیت جمهوری اسلامی بدان تکیه زده بود فرو می‌ریزد و در جای آن " ستون " نیرو های سرکوبگر " ۰۰۰ الله " ها بنا می‌شوند.

## باز هم مسئله زمین

چندی پیش سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستایی استان مرکزی به دعوت جهاد سازندگی برگزار شد و پس از صدور قطعنامه‌های در هشت ماده به کار خود پایان داد.

این سمینار در زمانی صورت گرفت که هنوز پس از گذشت چهار سال و نیم از پیروزی انقلاب نه فقط زمین به دهقان داده نشده است و هیچ تغییر و تحول اساسی در روستاهای ایران انجام نگرفته، بلکه اجحافات و تزییقات در حق دهقانانی که حق خود، یعنی زمین و پدر و کود و آب را می‌طلبند، اوج بیسابقه‌ای یافته است. بازگشت فتودالها بر سر زمینهای صبی خود، شدت یافته و تشنجات منتج از این امر فاجعه می‌آفریند.

در قطعنامه سمینار شوراهای اسلامی روستاهای استان مرکزی مسئله اصلاحات ارضی نیز مطرح شده است.

در این قطعنامه رسیدگی به وضع زمین و کشاورزی خواسته شده است. در این قطعنامه آمده است:

" از آنجائی که فر رژیم ستمشاهی مالکین و اربابان سالیان دراز خون مردم مستضعف را مکیده و هنوز هم زخمهای تازیانه ظلم و ستم آنان التیام پیدا نکرده، ۰۰۰ در ارتباط با زمینهای کشاورزی، از مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که مسئله زمین و مالکیت آنرا در اولویت قرار دهد تا با اقدامات اساسی در این زمینه ۰۰۰ محاکمه مالکین و سرمایه‌داران و نیز حمایت از کشاورزان مستضعف جامعه عمل پوشد "

خواست دهقانانی که وعده‌های رهبران ج ۱۰۱۰ را با یادآوری می‌کنند مشخص است و عدم برآورد این خواست از طرف این مقامات نیز با توجه به روند موجود بیانگر نظر کنونی آنها پیرامون این مسئله حیاتی جامعه ماست.

# «هفت خواهران» علیه اوپک

بقیه از صفحه ۸

در آن زمان «هفت خواهران» (بزرگترین کنسرن نفتی غرب)، امتیازات عظیمی با شرایط اسارت پارکسپ کرده بود و قدرانه «سهیم شیر» از استخراج، حمل و تصفیه و تبدیلی نفت را به خود اختصاص می داد.

کارتل بین المللی نفت که توسط این کنسرن تأسیس شده بود، کنترل بازار سرمایه داری نفت را بدست گرفته بود. قیمت نفت را تعیین و بازارهای فروش را میان خود تقسیم می کرد. و نیز همین کارتل بین المللی بود که میزان استخراج نفت را تعیین میکرد.

این کنسرنها از همان آغاز با تشکیل اوپک از در مخالفت برآمدند و مدتهای مدیدی آن را به رسمیت نشناختند؛ و پس از تشکیل اوپک نیز برای حفظ امتیازات خود از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند. اما زمانی که وزنه اوپک دیگر غیر قابل اغماض بود، کارتل بین المللی نفست مقدمات بحران انرژی را فراهم ساخت و بارگران هزینه های ایجاد شده را (زمانی که دولتهای غربی گرانتر شدن تولیدات نفتی را مقرر کرده بودند) بر دوش مصرف کنندگان انداخت. بدین ترتیب کنسرنهایی که دیگر قادر نبودند قیمت نفت خام را تعیین کنند، نه تنها زیانهای خود را جبران کردند، بلکه بر درآمد های خود نیز افزودند.

در سال ۸۰-۱۹۷۹، هفت خواهران موجب بالا رفتن مجدد قیمت نفت شد. هفت-خواهران با ایجاد کمبود تصنعی نفت، قیمتها را در بازار روتردام چنان افزایش داد که به سه برابر قیمت متوسط بازار جهانی رسید. این کنسرنها در دوران کساد ۸۳-۱۹۸۲، مقدیر عظیمی نفت وارد بازار روتردام کرد و بدین طریق بطور عینی باعث کاهش عمومی قیمت آن شد. این نیز ضربه ای بود علیه اوپک.

«هفت خواهران» امروز نیز - اگر چه کمتر - کشورهای اوپک را استثمار می کند. آنها با کنترل بازار فروش نفت و تسلطشان بر حمل و نقل نفت، با برخورداری از امتیازاتی نیمه از نفت صادراتی کشورهای اوپک را می خرند. فروش تولیدات نفتی نیز برای این کنسرنها درآمد فراوان در بر دارد. «هفت خواهران» در بعضی از کشورهای عضو اوپک، در شرکتهای استخراج نفت سهیم است. در برخی از کشورها حتی اداره شرکتهای دولتی نفت را نیز در دست دارد.

امپریالیسم از همان آغاز در پی تفرقه - اندازی در اوپک بوده است. عربستان سعودی که بعبانه ضامن حفظ منافع اجتماعی - اقتصادی غرب در منطقه به شمار می رود، در این امر به کمک آنها می شتابد. ریاض برای خوشایند آمریکا بارها از گرانتر شدن قیمت نفت جلوگیری کرد. اما زمانی که در نتیجه جنگ میان ایران و عراق، میزان استخراج نفت

کاهش یافت، بازار نفت از نفت عربستان سعودی بحالت اشباع درآمد. آمریکا و متحدان سعودی اش در نظر داشتند با این عمل به مخالفین سیاسی خود لیبی و الجزایر ضربه زنند. عربستان سعودی، غنی ترین کشور نفتی، بارها از وزن خود در اوپک برای تهدید خراج از آن و به همراه بردن متحدش، امارات متحده عربی، استفاده کرد.

## انحصار یا ضد انحصار؟

آمریکا از تهدید دخالت نظامی در مواقعی که منافع نفتی اش به خطر افتد ابائی ندارد. از سال ۱۹۸۰ یک اسکادران نیروی دریایی آمریکا در دهانه خلیج مستقر شده است. آمریکائیهها حق استفاده از پایگاههای نظامی در عمان، مصر و سودان را به خود اختصاص داده اند. آمریکا در منطقه خاور نزدیک مانورهای منظمی با شرکت نیروهای مداخله سریع انجام میدهد و کشورهای این منطقه را جزو محدوده عملیات «فرماندهی مرکزی» به حساب می آورد. تنها ۱۷ درصد واردات نفتی آمریکا از کشورهای عربی است. اما کنسرنهای آمریکائی نفست بیشتری از این کشورهای می گیرند و به کشورهای سوم صادر می کنند.

مطبوعات وابسته به انحصارات بین المللی، اوپک را موجد وخامت اوضاع اقتصادی سرمایه - داری در دهه گذشته معرفی می کنند. بویژه از آن جهت، که افزایش قیمت نفت باعث شدت افزایش نرخ تورم، بحران اقتصادی و رشد بیکاری شده است. مطبوعات غربی، بمنظور منحرف ساختن افکار عمومی از «زیاده طلبی» «هفت خواهران»، اوپک را به مثابه یک کارتلی معرفی می کنند.

اوپک، مثل «هفت خواهران» یک کارتلی نیست. درست است که اوپک قیمت نفت را خود رأسا تعیین می کند ولی بازار فروش آن را مثل هفت خواهران «بین اعضای خود تقسیم نمی کند». یک اختلاف بنیادی دیگری نیز وجود دارد، کنسرنهای بین المللی، کارتلی خود را بدین منظور تشکیل داده اند تا با غارت تولید کنندگان و مصرف کنندگان نفت، سودهای عظیمی بدست آورند. آنها منافع خود را با قهر نظامی حفظ می کنند و قدرانه در امور داخلی دیگر کشورها مداخله می کنند. اما برعکس، اوپک از کشورهایی تشکیل شده که استقلال خود را بدست آورده اند و میخواهند از منافع خود در برابر دول امپریالیستی دفاع کنند. کشورهای عضو اوپک، درآمد حاصل از صدور نفت را در درجه اول در راه توسعه اجتماعی و اقتصادی خود مصرف می کنند.

بدین ترتیب اوپک یک «ضد کارتلی» است. یا دقیقتر بگوئیم یک «کارتلی ضد امپریالیستی».

# «به عمل کار برآید، به سخنرانی نیست.»

«مسئله ای که من می خواستم بگویم و موضوع روز هم هست، عبارت از ترمیم کابینه دولت است. درست است که یک یا دو نفر یا چهار نفر ممکن است از کابینه بیرون بروند، ولی آن موقع میتوانیم نور رستگاری را در جبین این دولت ملاحظه کنیم که دولت قاطعیت داشته باشد در مقابل محتکران و در مقابل مال اندوزان... دولت اگر قاطعیت نداشته باشد به صرف تعویض و یا سه نفر در کابینه موثر نخواهد بود. صادق خلخالی، نماینده قم (کیهان، ۱۱/۵/۶۲)»

«آیا احتکارگری که در این موقعیت حساس به این مردم رحم نمی کند، جزا و پاداشی این است که در مقابل احتکار و گران فروشی فقط مقداری جریمه شود؟ ... به خدا قسم فصل این ها از هر تروریستی خطرناک تر است... این زالوها فقط از مرگ می ترسند و این ها از تنها چیزی که هراس دارند این است که بدانند دستگاه قضایی با این ها به عنوان محارب و مفسد فی الارض رفتار خواهد کرد. و اگر ما به این مسئله رسیدگی نکنیم، این مسئله می تواند پایه های انقلاب را متزلزل کند. مهدی کروسی، نماینده الیگودرز (کیهان، ۱۲ مرداد ۶۲)»

«کسانی هستند که به منابع اقتصادی این مملکت چنگ انداخته اند و به انحای مختلف ضربه می زنند... و به صورت شبکه های شروع به توطئه می کنند و نظر دارند که نظام اقتصادی گذشته را هر آنچه هست تثبیت کنند و آنچه از دست سرمایه داران گرفته شده برگردانند. از طرف خان ها و فئودال ها بر علیه تقسیم زمین طومار می آید. از طرف بازرگانان وابسته و محتکر و گران فروش کتابچه بر علیه بازرگانی خارجی می آید. صد شجاعیان، نماینده مسنی (صبح آزادگان، ۱۰/۵/۶۲)»

«گروهی که تنها هر درآمدشان حقوق آنان است و باید با همین حقوق در چنین بازار آشفته ای بسوزد و بسازد، طبقه کارمندان است که به پاس پیروزی انقلاب هم باید کنار و خدمات بهتری ارائه دهد و هم مزد کمتری بگیرد... افزایش نرخ کالاها در سه سال اخیر بیش از ۲۰۰ درصد بوده و حقوق کارمندان بسیار ناچیز و تنزل یافته است. علی نقی قوی، نماینده قائنات (صبح آزادگان، ۵/۵/۶۲)»

## نتیجه اخلاقی:

تسلیم طلبان خطاب به راستگرایان و سرمایه داران:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد، فریاد است!

# زنان مبارز ایتالیا جلوه‌گیری از ادامه رفتار وحشیانه با زنان زندانی دگراندیش را خواستارند

به دنبال دستگیری عده زیادی از فعالان و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و شکنجه و ضرب و شتم آنها در زندانهای ۱۰۱۰، موج همبستگی با این مبارزان در تمام کشورهای اروپایی بالاگرفت و نیروها، سازمانها و شخصیت های مترقی و ضد امپریالیست و دمکرات به طرق مختلف خواستار آزادی این مبارزان شدند.

سازمانهای دمکراتیک زنان و سایر سازمان های مترقی در شهرهای مختلف ایتالیا طی تلگرامها و صدور بیانیه‌هایی ضمن محکوم کردن اعمال وحشیانه زندانیان ج ۱۰۱۰، خواستار آزادی فوری زنان دمکرات ایرانی شدند.

● در جلسهای که در شهر رم از طرف زنان دمکرات و صلحدست برگزار شد، خانم میرسام تومین، دبیر اول فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی نیز شرکت داشت. وی که یکی از اعضای هیئت بین‌المللی کنفرانس بررسی مداخلات آمریکادر ایران بوده است ( این کنفرانس در روزهای ۱۲-۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۸ در تهران برگزار شد )، پس از اشاره به توطئه‌های بی‌درپیی امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی انقلاب ایران، نگرانی خود را از اوضاع کنونی ایران ابراز داشت و پشتیبانی خود را از مبارزان دربند توده‌های و زنان فعال در تشکیلات دمکراتیک زنان ایران اعلام کرد.

● زنان برزیلی ساکن شهر رم نیز در تلگرام خود، که به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال داشته‌اند، خواستار آزادی زنان زندانی عضو تشکیلات دمکراتیک زنان ایران شده‌اند.

● سازمان "شیلی دمکراتیک" نیز همبستگی خود را با زنان دربند و زندانی ایرانی اسلام داشته و خواهان آزادی فوری آنان و رفع پیگرد های پلیسی شدند.

● زنان کلیه اصناف عضو سندیکا های او.ای. ال. جی. جی. ال. جی. ال. اس. ال. در تورینو با ارسال تلگرامهایی به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایتالیا خواستار آزادی و قطع بلا درنگ فشار های وارد بر فعالین تشکیلات دمکراتیک زنان ایران شده‌اند.

● "خانه زنان" در شهر تورینو نیز تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایتالیا ارسال داشته و خواستار آزادی فوری تمام رهبران و اعضا و فعالین تشکیلات دمکراتیک ایران، که بدون هیچ گونه گناهی در بازداشت بسر می‌برند، شده‌اند.

● اتحادیه زنان ایتالیا در شهر فرارا؛ پس از ارسال تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایتالیا همبستگی خود را با زنان دمکرات و دربند ایرانی اعلام داشته و نوشته‌اند: " ما دستگیری و شکنجه زنان ایران را که

توسط حاکمیت ج ۱۰۱۰ صورت می‌گیرد محکوم می‌نمائیم و آزادی تمام کسانی را که برای آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند خواستاریم "

● کمیسیون زنان کمونیست این شهر نیز طی تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ اعلام کرده‌اند: " زنان کمونیست فرار را با اعلام اعتراض و خشم شدید خود نسبت به این اعمال، آزادی

۲- تمام مبارزان در بند باید بطور علنی و در چار چوب قوانین بین‌المللی محاکمه شوند،

۳- هیئتی متشکل از وکلا و پزشکان متخصص برای ملاقات و بازدید از زندانیان از جمله فعالین تشکیلات دمکراتیک زنان ایران جهت روشن شدن شکنجه‌های جسمی و روحی وارده بر آنان به ایران ارسال گردد.



همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

فوری زنان مبارز تشکیلات دمکراتیک زنان ایران را خواستارند "

● سازمان پارتیزانهای ایتالیا، در شهر فرارا، نیز با ارسال تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در ایتالیا بیان داشته‌اند:

" ما به نام پارتیزانهای مبارزی که طبعه دیکتاتورهای فاشیست و امپریالیستها - چه در ایتالیا و چه در تمام جهان - پیکار می‌کنند خواستار آزادی تمام زنان مبارز و سایر نیروهای دمکرات ایرانی هستیم که علیه فشار و اعمال ضد دمکراتیک و برای رفع محرومیت‌های اجتماعی مبارزه می‌کنند. و طلب می‌کنیم که به ابتدائی-ترین حقوق اجتماعی، فردی و سیاسی احترام گذارده شود."

● انجمن زنان سندیکاهای جی. جی. ال. و جی. ال. اس. ال. در شهر فرارا نیز اعمال فشار و پیگرد علیه زنان دمکرات ایرانی را محکوم کرده و در نامه‌های خود به رئیس جمهور ری اسلامی ایران، سفارت ج ۱۰۱۰ در ایتالیا و صلیب سرخ جهانی خواستار آن شده‌اند که:

۱- دولت ج ۱۰۱۰ باید نام تمام بازداشت شدگان را که به اتهام عضویت و فعالیت در تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بازداشت شده‌اند اعلام دارد،

● اتحادیه زنان ایتالیا در شهر بولونیا ایتالیا تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال داشته است که ضمن ابراز همبستگی عمیق خود با زنان مبارز ایرانی، خواستار آزادی فوری آنان شده‌اند.

## "کانون خانواده‌های زندانیان توده‌ای"

" با شکر از دوستان و رفقای که با ما در رابطه با این کانون تماس گرفته‌اند، از دیگر دوستانی که هنوز موفق به اینکار نشده‌اند تقاضا می‌کنیم هر چه زودتر با ما از طریق نشانی " راه توده " تماس گیرند تا بتوانیم فعالیت های خود را سازمان دهیم. لطفاً اگر اطلاعی نیز از بستگان زندانی خود دارید برای ما بفرستید "



## روز جهانی صلح

اول سپتامبر که مصادف با سالگرد هجوم ارتش هیتلر به لهستان و آغاز جنگ دوم جهانی است، بعنوان روز جهانی صلح در سراسر جهان برگزار گردید. جنگ دوم جهانی که توسط امریالیسم به جهانیان، خصوصاً ملل صلح دوست اروپا و اتحاد شوروی تحمیل شد، بیش از ۶۰ میلیون قربانی از خود به جای گذاشت. شهرها و دهات فراوانی با خاک یکسان شد و به پایهای اقتصادی و مادی بسیاری از کشورهای اروپایی بویژه اتحاد شوروی لطافات فراوانی وارد ساخت. بسیاری از خلقها مجبور بودند تا سالهای متعددی به خاطر رفع خرابیهای این جنگ خانمانسوز به کار طاقت-فرسا بپردازند. در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در آلمان غربی، در فنلاند و یونان و در دیگر کشورهای اروپای غربی و شمالی و جنوبی میلیونها نفر در راه پیمائیها و تظاهرات و میتینگها شرکت کردند. مسئله عده در دوران ما: حفظ صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هستنای، موضوع اساسی سخنرانیها و گفتگوها بود. در بسیاری از کشورهای اروپایی کارگران، سیاستمداران، هنرمندان و دانشمندان و نمایندگان جهان بیتهای گوناگون اعم از مذهبی و غیر مذهبی در کنار هم

راه پیمائی می کردند. همه آنان پیرامون مسئله جلوگیری از استقرار موشک های تازه آمریکائی در قاره اروپا که خطر برخورد جهانی هستنای را بسیار محتملتر می کند توافق نظر داشتند.

## کنفرانس بین المللی درباره مسئله فلسطین

هفته گذشته در ژنو بنا به تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک کنفرانس بین المللی در باره مسئله فلسطین گشایش یافت. ایالات متحده آمریکا و اسرائیل این کنفرانس را تحریم کردند. دولتهای اروپای غربی نیز برای کم اهمیت کردن آن تنها به اعزام یک ناظر اکتفا نمودند. از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا تنها یونان است که با یک هیئت نمایندگی کثیرالعهده در کنفرانس شرکت دارد. این کنفرانس طی مدت ده روز وضع خلقت عرب فلسطین را بررسی میکند و راههای برقراری کردن حقوق پایمال شده اش را مورد تبادل نظر قرار می دهد.

توفیق تویی نماینده مجلس اسرائیل که بعنوان مهمان به کنفرانس دعوت شده است، کوششهایی را که برای مانعیت از شرکت اتحاد شوروی و سازمان ملل متحد در امر احقاق حقوق فلسطینیها انجام میگردد پشت محکم نمود. او پیشنهاد کرد کنفرانس صلح ژنو زیر ریاست مشترک اتحاد شوروی و آمریکا با نظارت عالی سازمان ملل متحد از نو دعوت شود و در آن نمایندگان همه طرفهای ذینفع از جمله اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین شرکت کنند.

یاسر عرفات رئیس سازمان آزاد پیکش فلسطین، روز دوم سپتامبر در جلسات کنفرانس سخنرانی کرد. او نیز پیشنهاد کرد یک کنفرانس بین المللی زیر نظارت سازمان ملل متحد و با شرکت اتحاد شوروی و آمریکا و تمام طرفهای ذینفع برای حل مسئله فلسطین تشکیل شود. یاسر عرفات سیاست دولت آمریکا را مبنی بر حمایت از تجاوز اسرائیل علیه خلقهای عسرب مورد انتقاد شد و قرار داد.

## دخالت مستقیم...

بقیه از صفحه ۷

از حادثه آشکار شد. در ضمن جالب توجه است که این اشک تسامح برای سرنوشت مسافران هواپیما را کسی میریزد که نه تنها از هواپیمای مسافری برای جاسوسی استفاده کرده بلکه باند های جنایتکار در آمریکای مرکزی را برای کشتار مردم بی دفاع تجهیز می کند و سربازان خودش در لبنان به روی اهالی بیروت آتش می کشاند و عده های زن و کودک را کشته و زخمی میکنند.

امریالیسم آمریکا یاری خطرناکی را با سرنوشت خلقها و صلح و امنیت جهانی آغاز کرده است. ولی بدون تردید نخواهد توانست در اراده خلقهای اتحاد شوروی تردیدی در جهت دفاع هشیارانه از امنیت خود و کشورهای دیگر خللی بوجود آورد.

## کمک مالی به

## حزب توده ایران

## یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

**بلونیا (ایتالیا)**

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را

تأمین کردند

رفیقی از اسپانیا ۱۰۰ مارک  
مهدی از مونیخ ۵۰۰ مارک  
بهرروز از برلین ۱۰۰ مارک

## RAHE TUDEN

No. 58

Friday, 9 Sept. 83

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	U.S.A.	40	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.



## موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال اوضاع پاکستان چیست؟

بقیه از صفحه ۶

ادعاهای خود را در رابطه با حرکات اعتراضی مردم پاکستان اثبات می کند؟ آنهاست که می گفتند و می گویند "رابطه با ملتها برایشان مهم تر از رابطه با دولتهاست" آیا در وقت عمل اینچنین به گفته خود پایبندند؟

در واقع عیار ادعاها و بیان های حاکمیت جمهوری اسلامی را دایر بر پشتیبانی از مبارزه مستضعفان در سراسر عالم با اظهارات موافقین لایحه مزبور می توان محک زد. یکی از موافقین می گوید:

"ما با پاکستان در زمینه های حمل و نقل و تجارت و خانه های فرهنگ ارتباط داریم. اگر این لایحه را رد کنیم معلوم نیست این روابط به همین صورت ادامه پیدا کند."  
و موافق دیگری اضافه میکند:  
"جای تردیدی نیست که دولت پاکستان احیاناً (دقت کنید احیاناً!) جزو اقطار آمریکا است. با توجه به اینکه مسئولین جمهوری اسلامی می گویند ما خواستار دوستی با دولت های مسلمان می باشیم و بخاطر روابط متعددی که با پاکستان داریم و بعضی مسائل سیاسی که نمی خواهیم در اینجا بگویم از مجلس می خواهیم

برخورد مقتضی با این مسئله را بنماید." البته مجلس برخورد مقتضی با این مسئله را انجام داد و به این لایحه رای موافق داد. این اظهارات آئینه تمام نمای تضاد میان حرف و عمل مسئولین جمهوری اسلامی است. البته چنین صوابتی خیلی هم عجیب نیست، زیرا کسانی که منافع زحمتکشان و مستضعفان کشور خود را رعایت نمی کنند بطریق اولی، منافع زحمتکشان سایر کشورها را نیز رعایت نخواهند کرد.

هنوز در خاطرها این مطلب باقیست، که در روزهای اوج گیری جنبش انقلابی مردم کشورمان پس از قتل عام خونین هفده شهریور ضیاء الحق به نشانه پشتیبانی از شاه خائن مخلوع به ایران سفر کرد. در آن روزها این سفر، به حق مورد اعتراض همه انقلابیون ایران قرار گرفت. حالا جای این سوال باقی ماند: که آیا کسانی که مدعی اند "امید مستضعفان جهانند"، نمی بینند یا چنین صوابتی، رژیمشان با جنبش مردم پاکستان همان نقشی را بازی می کند، که رژیم نظامی ضیاء الحق روزی در رابطه با جنبش انقلابی مردم ما بازی کرد؟!